

عباس گروسی و علی حصوری

گزارش سفر لارستان

یکی از نواحی کم شناخته ایران لارستان است. این منطقه به علت نداشتن راه، آب خوب و نیز بخاطر گرمای شدیدش کمتر شناخته شده است. لارستان در جنوب مرکزی ایران و در جنوب شیراز واقع شده است. از شمال به فیروزآباد و جهرم و داراب از شرق به بندرعباس، از جنوب به بندرلنگه و از مغرب به بوشهر محدود میگردد. مردم لارستان به گویش های لاری سخن میگویند و گاهی به فارسی. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لارستان رودی ندارد اما دارای منابع فراوان آب زیرزمینی است * زمینش استعداد کشاورزی دارد و امروز از آن محصول قابل توجهی که به دست می آید گندم است. * * *

* حتی چاههایی را که نسلهای پیش با عمق حداکثر سی و پنج متر زده اند، امروز موتور گذاشته اند و از آنها آب کافی بیرون می آید. چند چاه نیمه عمیق هم دیدیم که همه خوب آب می داد.

×× مزارع گندم کیلومترها ادامه دارد اما به علت مقدماتی و بدوی بودن فن و نداشتن شیوه درست آبیاری و وجود نقص های دیگر نسبت محصول به زیرکشت چندان جالب نیست.

در سفر پنج روزه، کوتاهی که در شدت گرمای تیر ماه به آن سامان کردیم فرصت دیدن همه دیدنیهای لار را نداشتیم. آنچه گزارش میگردد مربوط به نواحی محدودی است که از آنها گذشتیم و کم و بیش یادداشتی برداشتیم. بنا بر این نوشته مانده یک کل را تشکیل میدهد و نه در آن پیوستگی هست. گزارشی است در باره چند ناحیه که در مورد برخی از آنان (آثار خنج) دوست همسفر من آقای گروسی گزارش دقیقتری میدهد و من پس از آن یادداشت های خود را خواهم آورد.

آثار باستانی خنج لارستان

خنج در فاصله ۲۶۰ کیلومتری فیروزآباد بین قیر و لارستان قرار دارد. مهمترین طریق رسیدن به خنج راه شوسه‌ای است که از شیراز به کوار، فیروزآباد، قیر و سپس به خنج منتهی میگردد. از قیر به خنج و سپس به گراش، اوز، لار در سالهای اخیر جاده شوسه‌ای در دست ساختمان است که از راههای شوسه درجه اول محسوب می‌شود و مراحل نهائی خود را از نظر ساختمان طی میکند. شهر کوچک و زیبای خنج در قدیم دارای مساجد و کاروانسراها و مدارس و حمام و عمارات خیریه بوده که اغلب آنها بمرور زمان از بین رفته است. تعدادی آثار ارزنده از ادوار مختلف در شهر مذکور باقیست که از هر لحاظ جالب توجه و قابل مطالعه است. قبل از بررسی این آثار بی‌مناسبت نمیدانم قسمتی از مطالب کتاب فارسنامه ناصری تالیف حاج میرزا ابوالحسن فسائی را در مورد خنج عیناً نقل نماید:

بلوک خنج از گرمسیرات فارس است از جانب جنوبی شیراز درازای آن از قریه بغرد تا کورده ۱۵ فرسخ پهنای آن از تنگ باد تا چاه مینانه فرسخ، محدود است از جانب مشرق بلارستان و نواحی بلوک بیدشهر و از سمت شمال باز بنواحی برودشهر و بلوک افزر و نواحی بلوک اربعه و از مغرب بلوک گله دار و از جنوب بلوک اسیر و علامرودشت، شکارش بزوپازن و قوچ و میش کوهی و کبک و تیهو

..... و در سال افغانی برای اتحاد مذهب اهالی این بلوک با افغانان در خرابی شهر شیراز کوششها نمودند و بعد از استیلای نادرشاه بسزای خود رسیدند و در زمان قدیم شهری معمور و دهاتی آباد و نخلستانها و باغها داشته.....

و نام قصبه این بلوک در اصل خنگ بضم خاء و سکون نون و کاف فارسی بوده یعنی گوشه بیغوله و بعد از تصرف عربی کاف مبدل به جیم گشته آن را خنج گویند. نزدیک به شصت فرسخ از شیراز دور است در قدیم نزدیک به شش هزار خانه داشت و لوازم شهری از مساجد و بازار و کاروانسرا و مدرسه و حمام و عمارات خیریه در او فراوان بوده که آثار آنها پیدا است. صحن مسجد جامعش وسیع طاقهای اطراف و شبستانش را از سنگ تراش و گچ ساخته هنوز بر نیمه آبادی باقی است و دو مناره بسیار بلند در دو جانبش مانده است شاید پنجاه هزار تومان نقد آن زمان بخرج این مسجد رفته است چندین مناره دیگر از آجر و گچ در کناره سایر مساجد و مدارس باقی است. آب خوردن این شهر از آب انبارها که از آب باران پرشود و شماره خانه های شهر خنج در این زمان به سیصد درب خانه نمیرسد. عرض آن از خط استوا ۲۷ درجه و ۵۷ دقیقه طول آن از رصد خانه انگلستان ۵۴ درجه و سی دقیقه و چندین نفر از علما و مشایخ از شهر خنج برخواسته اند مانند علامه زمان و نادره دوران حکیم افضل الدین محمد ابن تمار بن عبدالملک خنجی شرحی که بر کتاب قانون شیخ الرئیس ابوعلی سینا نوشته است و تا کنون در میانه حکماء و فضلاء اطباء مشهور و باقی است. (۱)

بطور کلی شهر کوچک خنج از جهت داشتن آثار دوره اسلامی و نیز علماء و دانشمندان بنام قابل بررسی و مطالعه است آنچه از این آثار در این مقاله مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرد امام زاده شاه فخرالدین - مسجد و بقعه حاج محمد ابوالفجیم، و مناره و مقبره شیخ دانیال خنجی است. بقیه آثار

احتیاج به گمانه زنی و بررسی بیشتری دارد که از این مقاله خارج خواهد بود.

امام زاده شاه فخرالدین

در گوشه و خارج شهر در میان قبرستان وسیعی قرار دارد. اطراف امام زاده راتپه‌های متعددی در برگرفته که آثار سطحی مربوط بدوره اسلامی از آن پیدا است. بنای امام زاده از سنگ و گچ است پایه آن چهارگوش و گنبدی با پایه بسیار بلند بر روی آن قرار دارد قسمتی از گنبد حرم فروریخته و شکافهای عمیقی در بدنه گنبد بچشم می‌خورد. تزئینات گلوی گنبد در خارج از نمونه‌های جالب هنری محسوب می‌شود که در سایر بناهای متبرک شیراز نظیر آن دیده نمی‌شود. داخل بقعه نیز دارای تزئینات جالب گچ بری است.

بقعه و درگاه شیخ حاجی محمد و مسجد خنج

شمس‌الدین شیخ حاجی محمد خنجی از مشاهیر صلحاء و عرفاء بود و هم اکنون نیز شدیداً "مورد احترام اهالی لارستان است". در کتاب لارستان کهن مطالبی در باره ایشان نوشته شده که عیناً "نقل می‌گردد" از مشاهیر صلحاء و عرفاء بوده و در ۷۸۶ هجری فوت کرده است آرامگاه و مسجد وی در خنج معروف و مزار عمومی است، برای رسیدن به بقعه شیخ هفت درگاه و دروازه وجود داشته که باید بترتیب از آنها گذشت سر در اصلی مسجد و بقعه شیخ بصورت مخروطی باقی است. این سردر در اوایل قرن یازدهم هجری بوسیله شمس‌الدین نامی از اهل لار تعمیر گردیده است و سنگ نبشته و کتیبه‌ای مربوط به این تعمیرات با خط نستعلیق از آن دوره بر دیوارهای طرفین مدخل ورودی باقی است بنا به کتیبه این تعمیرات باید بین سالهای ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ صورت گرفته باشد، چون در کتیبه نام شاه صفی ذکر شده مسلماً "تعمیرات مربوط به سالهای فوق می باشد".

تزیینات تمامی سردر ورودی بسیار جالب است و نمای آن با آجر و کاشی بطور پیچ‌تزیین و با خطوط کوفی بنائی کتیبه‌هایی بر آن نصب شده است. در نمای جرز سمت چپ تزیینات کاشیکاری با خط بنائی کلمات، یا صمد، یا اله، یا علی خوانده می‌شود. در جرز سمت راست از پائین چنین خوانده می‌شود: یا غفور یا شکور یا عزیز. در هشتی، داخل جرز کتیبه سنگی نصب شده که با خط کوفی جملات لاله‌الا لله محمدا "رسول الله در روی آن خوانده می‌شود.

در پای گنبد و حاشیه دور سردر درگاه ورودی کتیبه بسیار زیبایی با خط نستعلیق نصب شده است، کتیبه مذکور نیز از نمونه‌های جالب در نوع خود محسوب می‌شود متن کتیبه آجر و نوشته‌ها با کاشی تهیه و در داخل آجر نصب شده است. متأسفانه بعلت فروریختن گنبد کتیبه‌ها از بین رفته است فقط دو قسمت از کتیبه‌های پای گنبد باقی است و چنین خوانده می‌شود:

..... گفت در پاسخ خیال

شیخ شمس‌الدین محمد هادی اهل یقین مرشد دین ائمه مقتدای اهل حال
سپس در جرز شمالی چند بیت دیگر از کتیبه باقی است که چنین خوانده می‌شود:
.....
..... سایه ایزد صفی دان شاه
یک قسمت از دنباله همین کتیبه که فروریخته در داخل مسجد وجود دارد و چنین خوانده می‌شود:

"این درگاه آن صاحب کمال".

درگاه دوم ورودی شیخ فروریخته و اثری از آن نیست. در سوم بقعه در مدخل سماع‌گاه قرار دارد. این سردر از نمونه‌های جالب محسوب می‌شود. گوشه‌های مدخل ورودی دارای تزییناتی از سنگ و بصورت پیچ‌تزیین شده بود. قطعاتی از پیچ تزیینی سردر باقی است و بقیه آن فروریخته و بتدریج از بین رفته است. بر پیشانی مدخل در ورودی سماع‌گاه بخط نستعلیق بر روی گچ چنین نوشته است "اللهم ربی محمد نبی علی ولی، یای علی بصورت ذوالفقار دوسر در زیر کتیبه دیده می‌شود.

سماع گاه شیخ داری ارتفاع فوق العاده است و دو شاه‌نشین در سمت شمال و جنوب آن تعبیه شده است. در قسمت فوقانی سماع‌گاه پنجره‌های مشبک گچ بری نصب شده که صدای سماع به اطراف منتقل شود. سماع‌گاه شیخ دارای درآبنوس نفیسی بود که در گذشته به موزه پارس شیراز منتقل گردید. چهارچوب سنگی در که بصورت پیچ تزئینی حجاری گردیده بجای خود باقی است. در بالای سردر ورودی کتیبه گچ بری نصب شده که چنین خوانده میشود:

آن جهان بخشی که از راه کرم
منبع احسان صفی‌الدین علی
واقف درگه بدش هر شیخ و شاب
از برای فیض تحصیل ثواب

در زیر پنجره‌های مشبک فوقانی کتیبه‌هایی با خطر رنگی وجود داشته که به مرور ایام محو شده و آثاری از آن بچشم میخورد.

بقعه حاج محمد ابوانحم

در بقعه شیخ زوبشمال باز میشود. در قدیمی بجای خود باقی است. دراز چوب آبنوس تهیه شده بر روی در سمت راست با خط ثلث کتیبه‌ای نصب شده که چنین خوانده میشود:

بدرگاه تو یا مولی کسی کی بی نوا گردد گداگر صدق پیش‌آرد در اینجا پادشا گردد.
تزیینات دولته از طرفین قرینه سازی است در لته وسط یک گل ۸ پر
منبت کاری شده در لته پائین یک کتیبه چهارگوش منبت نصب شده است. نمای
خارج بقعه چهارگوش و داخل آن بصورت ۸ گوش بنا گردید. زیرطاقها یزدی
بندی شده ولی متأسفانه طاق گنبد فروریخته است. بنای بقعه بوسیله امیر سیف -
الدین در زمان یعقوب شاه آق‌قویونلو بنا گردیده. داخل بقعه دو طبقه است و
بصورت ۸ گوش بنا گردیده ۸ طاقما در طبقه اول و ۸ طاقما در طبقه دوم دیده

میشود. قسمت عمده تزئینات گچ‌بری و کاشیکاری بقعه فروریخته و آنچه که باقیمانده از نمونه‌های بسیار جالب هنری محسوب میشود. قندیل و فانوس قدیمی در درطاقنماهای اطراف آویزان بود که تعدادی از آنها هنوز بجای خود باقی است. مرتبه فوقانی زیر پایه گنبدی است که فرو ریخته. نمای خارج از سنگ است که در حال حاضر روی آن را گچ مالیده‌اند. طاقنماها دارای گچ‌بری و مقرنسهای گچی زیبایی است که قسمتی از تزئینات رنگ آمیزی شده‌اند. در داخل اسپره‌های گچ‌بری با خط کوفی سوره "انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحران شائک هو الابر" با گچ‌بری دیده میشود.

در طاقنمای جنوبی کتیبه کاشی معرق بازمینه سورمه‌ای و نوشته سفید رنگ نصب شده که چنین خوانده می‌شود.

اولیائی تحت قبائی لایعرفهم غیری. داخل کتیبه کاشی شاخ و برگ از گل برنگ سبزرنگ دیده میشود. خود گلها قهوه‌ای رنگ هستند.

سنگ قبر شیخ هیچگونه نوشته و علامتی ندارد و از سنگ سرخ‌فام حجاری و نصب گردیده.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقبره شیخ دانیال خنجی
رتال جامع علوم انسانی

بطوریکه قبلاً "نیز یادآوری گردید این بطوطه سیاح مراکشی از مقبره شیخ دیدن نموده و از او به نیکی یاد می‌کند و در سفرنامه خود یادآوری مینماید.

این قطب در نواحی لار مشهور و سخت مورد احترام است و بر روی قبر او بفرمان قطب‌الدین تهمتن گنبدی بنا شده است.

در کتاب لارستان کهن تألیف آقای احمد اقتداری در صفحه ۱۶۸ چنین نوشته شده است: شیخ دانیال خنجی از صلحا و مرشدین بنام عصر خود و مورد نذورات است. قطب‌الدین تهمتن بن عزالدین گردانشاه بن سلغور بین سالهای ۷۱۸ تا ۷۴۷ گنبد بزرگی بر روی آرامگاه و مسجد دانیال ساخته‌اماناره

مسجد بعداً "گویا در سال ۷۸۹ هجری ساخته شده. گنبد مقبره شیخ دانیال بکلی ویران شده و اثری از آن در دست نیست تنها محل مدفن و قسمتی از دیوارهای اطراف آن با ارتفاع دو متر باقی است. سردر مخروطی است و قسمتی از مناره باقیمانده." مناره دانیال بصورت استوانه بر پایه هشت ضلعی قرار دارد، نمای خارجی پایه هشت ضلعی از سنگ تراش و در پایه مناره هشت کتیبه بدنبال هم بخط ثلث نصب شده است. مناره از آجر ساخته شده و روی آن با کاشی بطور گل جعفری تزئین شده است و روی آن یک حاشیه آجرو کاشی بطور مداخل ساخته شده و سپس روی آن با آجر و کاشی بطور پیچ خطوط کوفی نقش شده است.

مناره در سمت شمالی بقعه شیخ قرار دارد در حدود ۲۵ متر از مناره باقی است. قسمت فوقانی مناره فروریخته و از بین رفته است. تزئینات مناره را از قسمت فوقانی بررسی مینمائیم.

در قسمت فوقانی کتیبه‌های موربی با کاشی با خط کوفی نصب شده که چنین خوانده می‌شود. لا اله الا الله. در تمام کتیبه‌های اطراف در این قسمت این جمله با همان خط تکرار می‌شود.

در قسمت دوم که بصورت جاشیه‌ای دور مناره می‌گردد در ربع‌هایی از گوشه بدنبال هم قرار دارند که با خط بنائی کوفی از سمت شمال روی آنها چنین خوانده میشود.

اللهم صل علی محمد المصطفی و ابوبکر الصدیق و عمر الفاروق و عثمان بن عفان و علی بن ابیطالب و امام حسن المجتبی و امام الحسین الشهید و امام زین العابدین و امام محمد الباقر و امام جعفر الصادق و امام موسی کاظم و امام علی موسی الرضا و امام محمد تقی و امام علی النقی و امام حسن العسکری و امام محمد مهدی.

مدخل مناره در گوشه جنوبی روبه بقعه شیخ باز میشود. داخل مناره یک ستون سنگی استوانه تعبیه و مناره دور آن بنا گردید. راه پلکان مناره که آجری است دور ستون سنگی دور می‌زنند. قطعات سنگ تراش پایه مناره با بست‌های

آهنی به یکدیگر مفصل شده اند. در بالای مدخل و رودی مناره کتیبه‌ای با خط ثلث بر روی سنگ نقر شده که سازندگان مناره را معرفی مینماید و چنین خوانده میشود: استادان مناره محمود استادخان والدحاجی محمد ابن استادحاجی کلاه سیاه محمد. بطوریکه قبلاً " نیز یاد آوری گردید کتیبه‌ای با خط ثلث تزئینی در پای مناره هشت گوش نصب شده و از گوشه جنوب غربی شروع و چنین خوانده میشود: بسم الله الرحمن الرحيم قال الله تعالى في بيوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمهم يسبح الله فيها بالغدو والاصال سپس چنین خوانده میشود:

بعد فان المناره الاسلام وقد صح اول بنا مناره في الاسلام
عمر بن عبدالعزيز رضي الله عنه وتلاوه انصار الدين وصح عن التقات حضرة سلطان
الاولياء و الاقطاب ولي الله المتعال شيخ الركن الحق و الولاية والدين دانيال
(نام صاحب بقعه) قدس الله سره العزيز و اشاره ببنای المناره في هذا المحل
بخمسين سنه و اكثر قبل حدودها اخوانه يعنوب جانب سلاطين هرمز (سنگ يك
كتيبه افتاده است) اليهم السلطان السعيد ركن الحق و الدين كردانشاه بناها
من حاكف (يك سنگ افتاده است) ما يحتاج اليه عمارة و توجه الي
الدولة السلطنة مجلس الإحضرت الأعلى السلطان الاعظم مالك رقاب الامم
ثمرة شجرة كرد انشاهيه

توران شاه ابن تهمتن ابن محمد بن تهمتن ابن كردانشاه خلد الله

ملكه و سلطانه و سفارين لسنة عشر احدى وسبع مائة ٧١١ .

ترجمه آن چنین است .

بدرستی که مناره در اسلام به تحقیق صحیح ترین آنها اولین کسی که
مناره‌ای در اسلام بنا نمود عمر بن عبدالعزيز است که خداوند از او راضی باشد
و جانشینان و یاران دین و به تحقیق راستگویان و متقیان بعد از او حضرت پادشاه
اولیاء و قطب‌ها نماینده پروردگار متعال شیخی که ستون و عمود حق و جانشین
دین بود دانیال (نام صاحب بقعه) پاک‌گرداند خداوند چهره او را و اشاره نمود به
ساختن این مناره در این محل در پنجاه سال بعد و خیلی قبل از وقوع مناره

برادران او عنایت کردند از طرف پادشاهان هرمز ایشان بودند پادشاه سعادت‌مند ستون حق و دین کردانشاه بنا نمود آنرا از سنگ که مورد نیاز او بود ساختمانی و توجه نماید بسوی دولت سلطنت مجلس پادشاه بزرگوار سلطان بزرگ که از نوادگان کردانشاه بوده است . . . توران شاه فرزند تهمتن پسر محمد تهمتن پسر کردانشاه . . . بهشت بگرداند خداوند پادشاهی و سلطنت و همراهان و نوادگان او را . از مقبره شیخ دانیال جز دیوارهای آن که بصورت مخروطه است و در حدود دو متر ارتفاع دارد چیزی باقی نیست . در داخل مقبره یک قطعه سنگ مرممر وجود دارد که این کلمات بر روی آن نقر شده است :

الی‌الله فی الارضین سید مجدالدین (پسر دانیال) ابن رکن الملل والدین
دانیال قدس الله سره . بطوریکه ملاحظه میشود سنگ مذکور قسمتی از سنگ قبر
سید مجدالدین پسر دانیال می‌باشد و ترجمه آن چنین است :

بسوی خدای همه جهان سید مجدالدین فرزند رکن‌الملل و دین دانیال ،
پاک بگرداند خداوند سر او را .

آنچه از مقبره شیخ باقیمانده از نظر معماری جالب می‌باشد و از قطعات
سنگ قرمز رنگ چهار گوش بنا شده است . مناره قابل تعمیر است ولی مقبره شیخ
بصورت ویرانه‌ای درآمده است .

در اینجا بی‌مناسبت تمیذاند مطالب صفحه ۳۱۷ فارسی‌نامه ناصری
را در مورد معرفی کردانشاه که از ایلخانان ایران و از ۷۱۶ تا ۷۵۶ در ایران سلطنت
نموده عیناً نقل نماید " جزیره هرموز ۳ فرسخ بیشتر میانه جنوب و مشرق
بندر عباس درازا و پهنای آن از فرسخی بیشتر است . زمین شوره زاری که قابل هیچ
زراعتی نیست و آب شیرین جز در آب انبار بارانی ندارد . سالها نشیمن گاه
ملوک هرمز بود و آنها را بلقب شاهی می‌گفتند چنانکه خواجه حافظ شیرازی علیه‌الرحمة
فرموده است .

شاه یزد م دید و مدحش گفتم و هیچم نداد شاه هرمز (د) م ندید و بی سخن صد لطف کرد

ودرتواریخ نوشته‌اند در اوایل دولت سلاطین سلجوقی قاورد برادر سلطان الب ارسلان پسر سلطان چغری بیک سلجوقی فرمانروای کرمان گردید و دست تصرف بجزیره هرمز رسانید و صاحب جزیره در اطاعت درآمد و بعد از چندی عیسی نام از جانب قاورد فتح برعمان نمود و در دولت اتابک مظفرالدین ابوبکر سعدبن زنگی شاه محمود والی جزیره هرمز بقاعده مقرر و جوه دیوانی خود را بحکومت کرمان میداد و چون محمود وفات یافت شاه نصرت بجای پدر نشست و رکن الدین مسعود برادر نصرت فرصت یافته نصرت را بکشت و بجای او نشست

و تا سنه ۷۱۵ ایام حکومتش امتداد یافت و بعد از وفاتش جزیره هرمز و توابع آن در تصرف ملک کردانشاه درآمد و اولاد ملک کردانشاه هر یک بعد از دیگری حکومت و ایالت هرمز را داشتند و در سال ۹۱۳ که نوبت ایالت هرمز به بایسنقر شاه شهاب الدین رسید جهازات دولتی پورتکال (پرتقال) با اسم تجارت آمده جمعی پیاده گشتند و در جزیره هرمز کوتی یعنی خانه نشیمنی ساختند و رفته رفته دعوی ملکیت کرده از جزیره تجاوز نموده در نزدیکی بندر جرون (کمرون) که اکنون بندر عباس گشته است قلعه ساختند امامقلی خان پسراللهوردیخان والی مملکت فارس قلعه پورتکال را گرفته جماعت پورتکال را اخراج نموده .

پرونده‌های علم‌الاسانی و مطالعات تاریخی

رتال جامع علوم انسانی

پسراللهوردیخان والی مملکت فارس قلعه پورتکال را گرفته جماعت پورتکال را اخراج نموده .

این بود آنچه دوستم آقای گروسی نوشته بود و نزد من بود . متاء سفانه سفر او از شیراز و دسترسی نداشتن به او مانع از آن شد که بتوانم یادداشتهای خوب او را هم درباره برخی از آثار کم شناخته فارس وهم جغرافیای تاریخی این منطقه

چاپ کنم . ذیلاً "یادداشت‌های خود را که در آن سفر کوتاه فراهم کرده‌ام می‌آورم .

فهرج یا بنا رویه

در مسیر جهرم - لار روستای بزرگ یا شهرکی هست که امروز بنا رویه نامیده می‌شود . در بنا رویه کاروانسرای ساخته دوره صفوی هنوز سالم است ولی به طویل تبدیل شده است . کاروانسرای زیبائی که در دوره قاجاریه ساخته شده آباد است و در آن فعالیت دیده می‌شود ولی دیگر نه مسافر در آن می‌ماند و نه قافله به آن راه دارد . فعالیت حقیر بازرگانی جای سروصدای چارواداران قدیم را گرفته است . در کنار بنا رویه یعنی در قسمت شمال شرقی آن قطعه زمین صافی است که با پشته خاکی محصور شده است . اکنون مردم آنجا را بهره (bahre) می‌نامند که تلفظ فارسی است از شکل رسمی اسلامی فهرج .

فهرج شهرکی آباد و معروف بوده است و ذکر آن در آثار جغرافیائی آمده است . در جنوب غربی فهرج و پیوسته بدان کوه بلندی قرار دارد که به احتمال بسیار قوی بخش مهم و بزرگی از آن یک قلعه هخامنشی بوده و تا دوره‌های اخیر نیز فعالیت داشته است . این قلعه بسیار شبیه قلعه فهندژ شیراز (قلعه بندر) است که آن را از دوره هخامنشی دانسته‌اند اما قلعه فهرج لااقل ده برابر قلعه فهندژ است و از چیزهای مهمی که دارد تاسیسات آبرسانی آن است . در قلعه (مثل قلعه فهندژ) چند چاه بزرگ با دهانه باز (تقریباً سه در سه) وجود دارد . عمق دو چاه با یک اندازه گیری سطحی در حدود چهل متر به دست آمد . از کنار دهانه چاه‌ها راه آبی به پائین و وسط قلعه وجود دارد . در وسط قلعه حوض بزرگ مدوری به قطر تقریبی دوازده متر هست که آب در آن جمع می‌شود و به وسیله مجرائی که از آن رو به پائین تعبیه شده به فهرج می‌رسیده . در پائین ترین بخش قلعه نیز چاهی وجود داشته است که هم‌اکنون روی آن موتور گذاشته‌اند و از آن آب بیرون می‌آورند که زمین محصر فهرج را آبیاری می‌کند . در فهرج امروزه

کشت می شود ولی در آن خانه‌ای وجود ندارد .

قلعه فهرج دارای حصار سنگی محکمی بوده و برخی از قسمت های آن هنوز برجاست . تنها راه رسیدن به آن پله مانندی است که در کوه‌کنده اندویک نفر به زحمت می تواند در آن حرکت کند و بنابراین امکان حمله از این راه وجود نداشته است . متاء سفانه به علت گرمای شدید تیر ماه باز دیداز همه قلعه امکان پذیر نگشت .

کاروانسراها و قلعه‌ها

چنان که گفته شد در فهرج دو کاروانسرا هم اکنون برپاست که یکی صفوی و دیگری قاجاری است . در سر راه از جهرم رو به بناارویه و سپس روبه لار تعداد زیادی کاروانسرا و قلعه وجود دارد . اغلب کاروانسراها با وجود داشتن معماری قابل توجه و گاه کتیبه‌های تعمیر از دوره قاجاریه ، تبدیل به آغل گوسفندان شده است و پاره‌ای رو به ویرانی است . تعداد قلعه‌ها بسیار زیاد است و تقریبا " مهمترین ارتفاعات نزدیک روستاهای بزرگ ، شهرک‌ها و مناطق سوق‌الجیشی را گرفته است . دیواره‌های آنها خراب شده ولی آثار آن کاملا " پیدا و گاهی برپا است . در همه این قلعه‌ها آب انبار وجود دارد (و گاهی چندین آب انبار) در تعدادی از آنها خمره‌هایی در خاک دیده می شود که چون از آنها جز خاک چیزی بیرون نمی آید احتمال دارد که این قلعه‌ها استودان بوده باشند و بی شک آنهایی که بسیار نزدیک به آبادیهای بزرگ هستند چنین بوده اند . اما عده بسیاری از این قلعه‌ها به دنبال هم و در یک منطقه سوق‌الجیشی و مشرف به جاده‌ای که در دشت می گذرد ساخته شده است و در آنها گاه و بیگاه پیکان‌های برنجی یافت شده است .

میده و غارهای آن

میده یکی از روستاهای آباد شرق لارستان و در جنوب کوه گاوبست واقع

شده است. وستا دارای امامزاده‌ای است که به "قتال" معروف شده. ساختمان امامزاده شبستان زیبائی داشته است که قسمتی از آن هنوز کاملاً سالم است و دارای گچ بری جالبی هم هست. در امامزاده کتیبه‌های سیصدساله دیده می‌شود و علمی که ساخت دوره صفوی است. آنچه به میده اهمیت می‌دهد، غارهای ظاهراً "بودائی" است که در یکی از دره‌های کوه گاوبست در شمال شرقی می‌ده جای دارند. این دره بسیار تنگ است و از همان آغاز دهانه کم وسعتی دارد. غارها در انتهای دره واقع شده‌اند. دره دارای عده‌ای گله دار است که از نظر معیشتی، قیافه و حتی لباس با مردم منطقه شباهتی ندارند اگر چه اکنون دیگر نمی‌توانند پوشاک و وسائل زندگی خویش را خود تهیه کنند و از روستای می‌ده می‌خرند. تا چند سالی پیش وسائل زندگیشان را خود تهیه می‌کردند. آنان حتی کفش خود را خود می‌دوختند. اکنون لِهجهٔ آنان با گویش می‌ده تفاوت دارد و هنوز به زندگی چوپانی که در همان دره خلاصه می‌شود ادامه می‌دهند. در تابستان به انتهای دره و تا قله کوه گاوبست پیش می‌روند و در زمستان به دشت می‌آیند که هوای معتدلی دارد. در نیمه راه دره اصلی چند دره کوچک به آن می‌پیوندند و زمین نسبتاً بازی به مساحت تقریبی سه هزار متر پدید می‌آید که درست در وسط آن یکی از آب انبارهای محلی (۱) ساخته شده که تا فصل تابستان نیز دارای آب است و به کار مردم و گله ایشان می‌آید. در جوانب این آب انبار روی خط الراس‌ها چند قلعه دیده می‌شود که ویرانه دیوارها، آب انبارها و انبارهای آن‌ها آشکار است.

چنان که اشاره شد ممکن است برخی از آنها استودان بوده باشد.

در نزدیکیهای انتهای دره در دو طرف مسیل، غارهای کوچکی که یک خانواده در هر یک می‌تواند زندگی کند وجود دارد. این غارها اکنون آغل

۱- آب انبارهای محلی لارستان استخر عمیق بزرگی (گاهی به قطر ۴۰ متر)

است که طاقی به شکل گنبد دارد. آب انبار از آب باران پر می‌شود و در

سراسر سال مصرف می‌گردد.

گوسفندان است اما واضح است که روزی مسکون بوده زیرا که علائمی روی دیواره‌های آنها دیده می‌شود. این علائم و نوشته‌ها در انتهای دره فراوان است که در عکس‌های این گزارش دیده می‌شود. اما مسئله مهم بزرگترین و آخرین غار این دره است که درست در انتهای دره و در روبروی مسیر و مسیل قرار دارد. مسیر به میدان گاهی به مساحت تقریبی چهار هزار متر می‌رسد که به وسیله دیواره عظیم و عمودی کوه احاطه شده است و از این جا ادامه راه به قله کوه ممکن نیست. در دیوار روبرویی غاری عظیم قرار دارد که دهانه آن در حدود صد متر عرض و پنجاه متر یا بیشتر ارتفاع دارد. از سقف این غار آب می‌چکد و زیر محل چکیدن آب، حوض‌هایی ساخته بوده‌اند که چهار تای آن باقی و پراز آب است و آخرین جایی است در درون دره که به آب دسترسی هست و گله‌ها و مردم از آنها سیراب می‌شوند. طول غار بسیار کم است و خیلی زود سقف به کف می‌رسد. در انتهای غار اطاقک کوچک مربعی هست به اندازه 2×2 که از سنگ و گچ ساخته شده و رو و درون آن اندود شده است. اطاقک سقف گنبدی شکل دارد که ارتفاع آن نیز بیش از یک متر ونیم نیست. درون و بیرون اطاقک با گل سرخی دارای کتیبه‌هایی بوده است که پاک شده. در درون اطاقک نقش چند گل و یک شیر که فقط قسمتی از سر، پنجه‌ها و دم آن باقی مانده دیده می‌شود. نظیر این نقش‌ها در دیواره عظیم جلو غار نیز هست و در یکی دو محل با همان گل سرخ کتیبه‌هایی به خط دواناگری دیده می‌شود که متاء سفانه صدمه دیده‌اند. من حروف د، ت و یکی دو حرف دیگر را در آنها تشخیص دادم اما لازم است که یک متخصص روی آنها کار کند. بنابر قرائن بالا ممکن است که ساکنان دره که نویسندگان آن کتیبه‌ها بوده‌اند بودائی بوده باشند، نظیر چنین آثار بودائی در اقلیمی کاملاً شبیه به لارستان و در فارس دیده می‌شود (۱). اگر چه در شمال ایران و در

۱ - در زیر راه برازجان. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به مقاله

W. Ball. " Two Aspects of Iranian Buddhism

در همین پژوهشنامه مؤسسه سیاسی ش ۴-۱ سال ۱۳۵۵. صفحه ۱۰۳ به بعد.

آذربایجان نیز دیده شده است. اصولاً آثار بودائی در ایران بیش‌ازآنی است که تا کنون به نظر آمده است. در بیرون شهر سبزوار هنگام کندن زمین برای ساختمان آثار بودائی نه چندان کمی به دست آمده و متأسفانه بلافاصله فروش رفته است. یکی از مجسمه‌های این مجموعه به دست یکی از دوستان نویسنده رسیده است که از زنگ و گل پاک شده و عکس آن پیوست این مقاله داده می‌شود. چنان که اشاره شد این گزارش حاصل یک سفر دوروزه در هوای تیرماه است و من امیدوار بودم که بتوانم گزارش دقیق‌تری در سفر دیگری تهیه کنم و چون به آن امیدوار نیستم فعلاً "به همین گزارش اکتفا می‌کنم. در ذیل عکس‌ها توضیحات لازم داده خواهد شد تا خواننده قانع شود و اگر کنجاو بود خود تحقیق را دنبال کند.



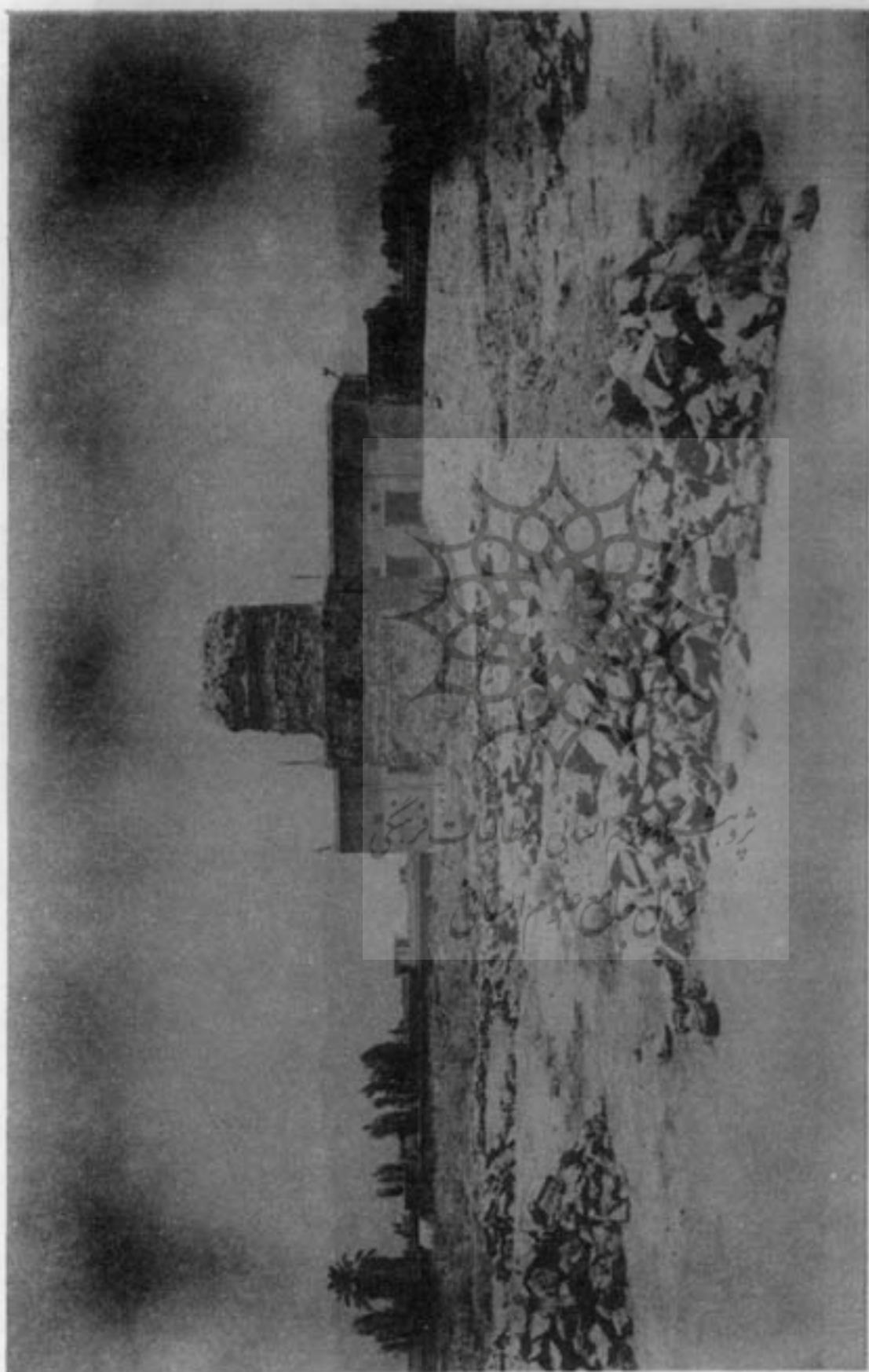
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

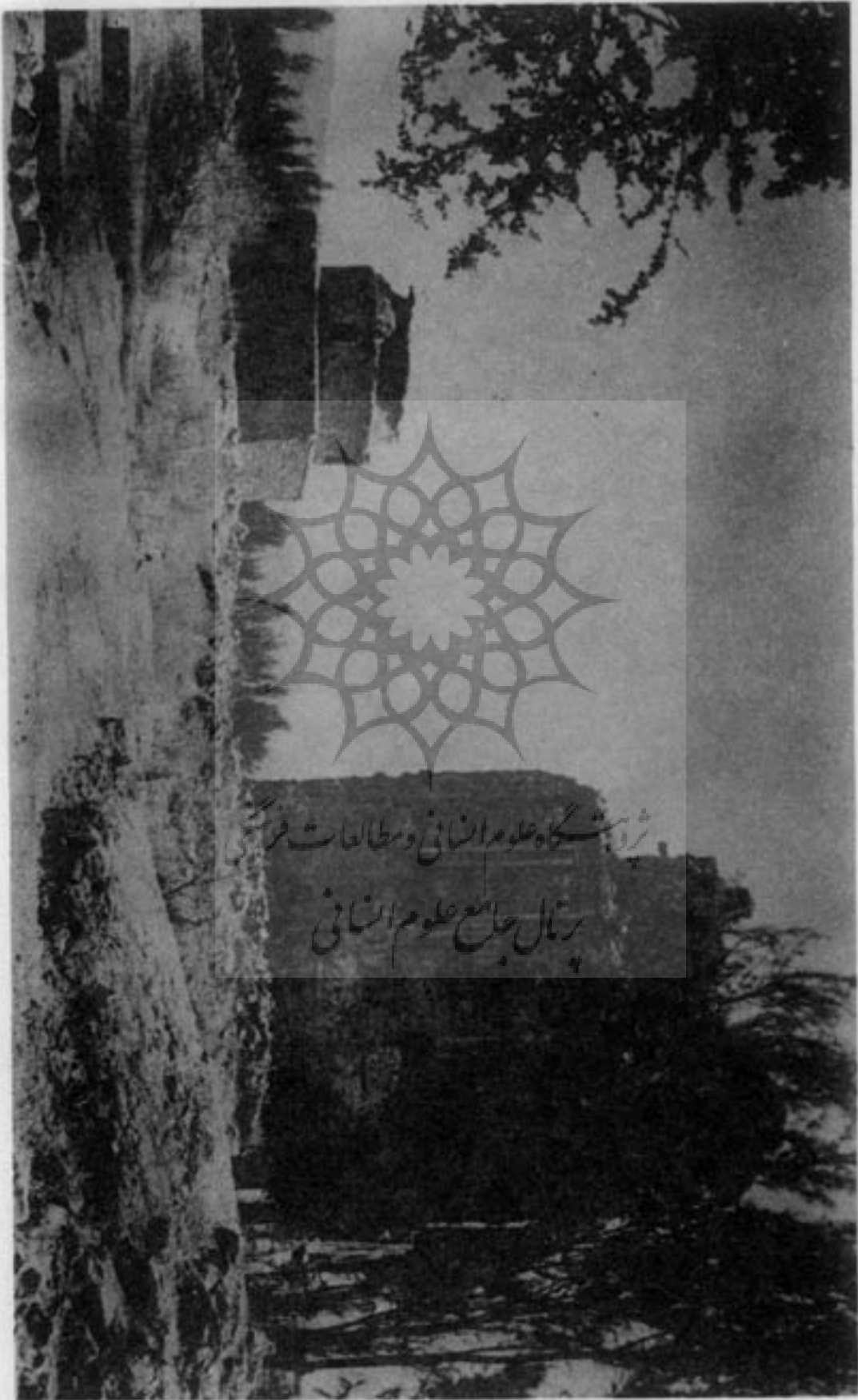


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقبره دانیال در خنج.

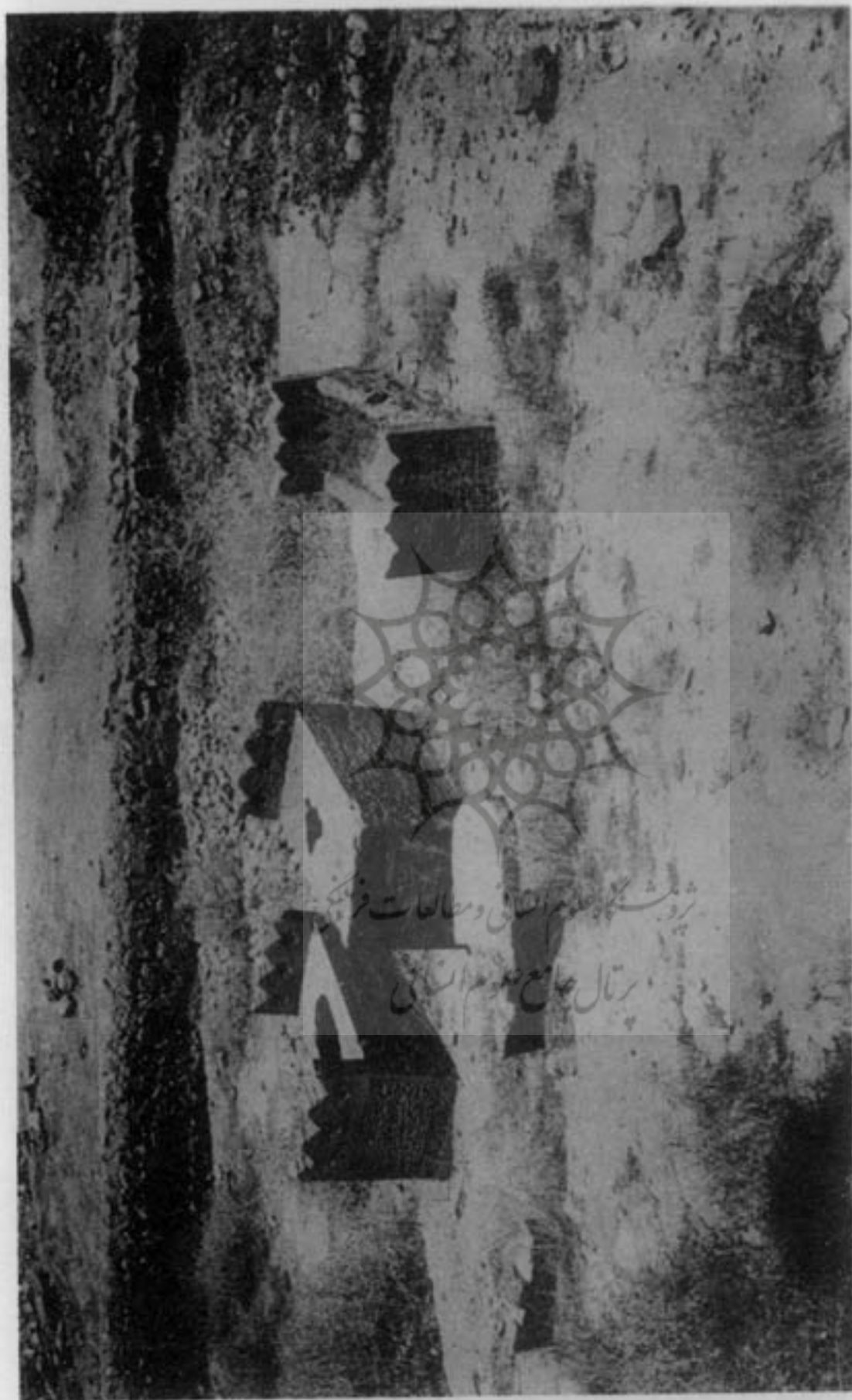


شاه فخرالدین خنج.

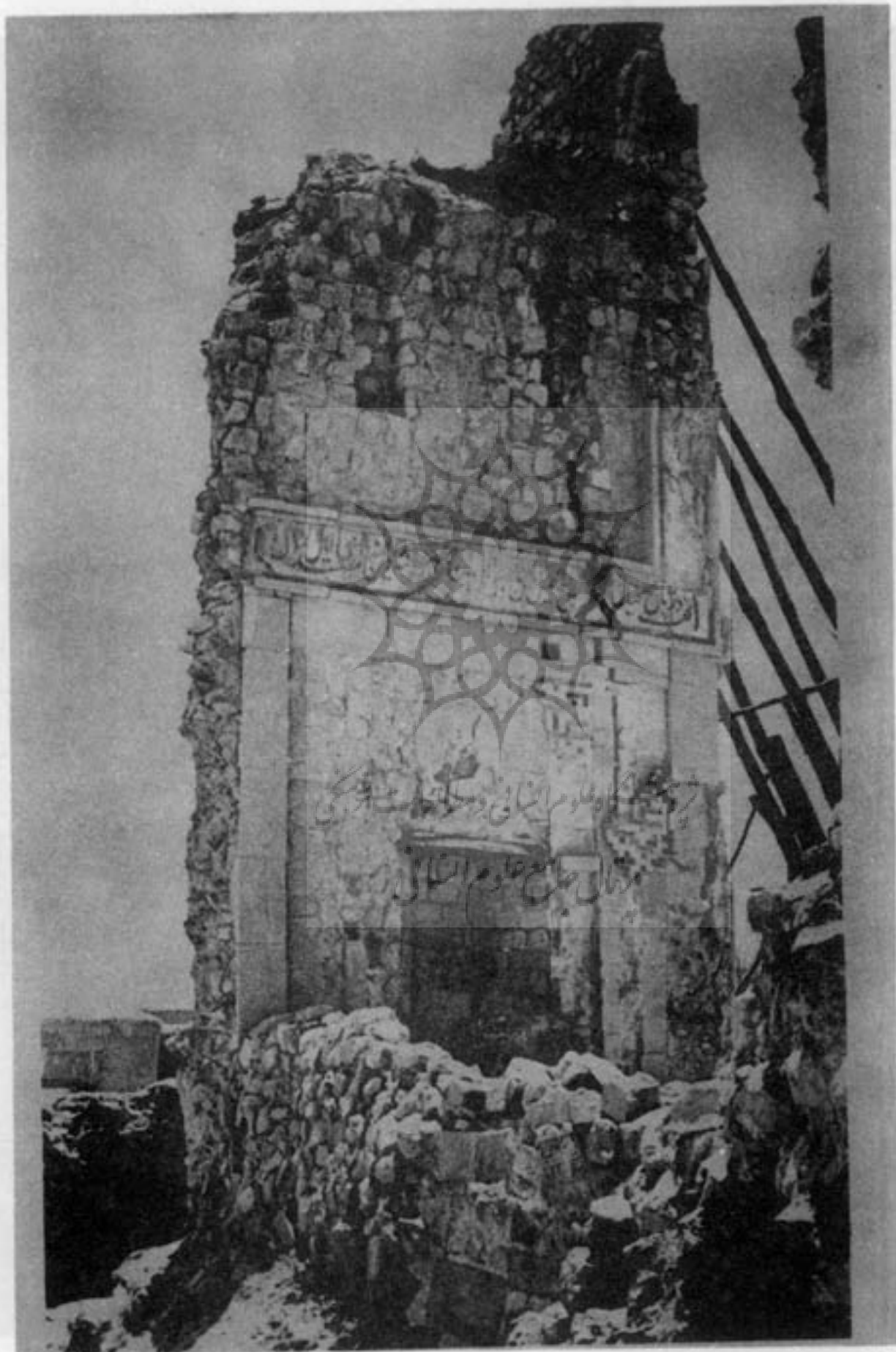


بناهای کهن خنج.

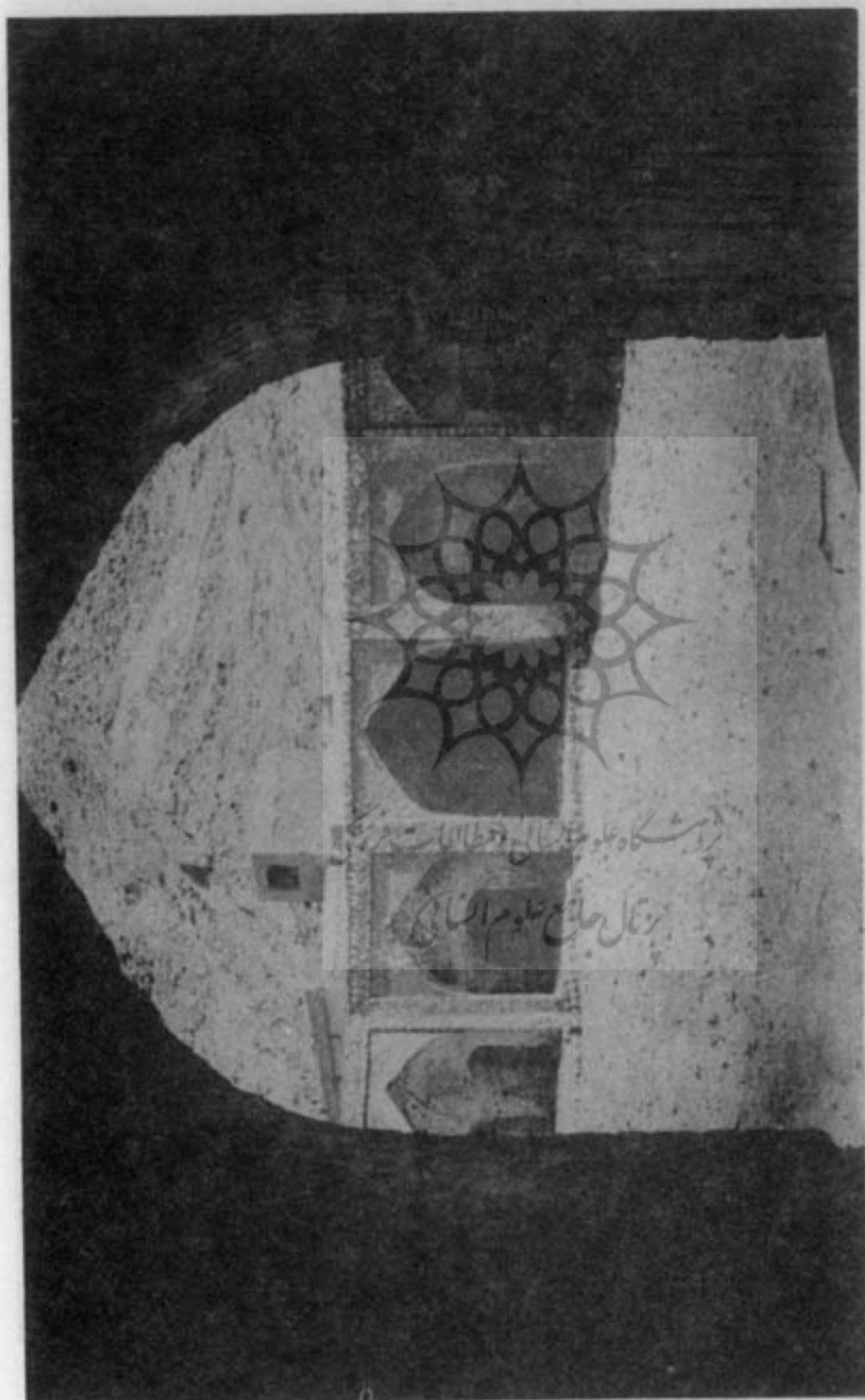
شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



سنگ‌های قدیمی گورها در خنج تراش و تزئین زیبایی دارد.



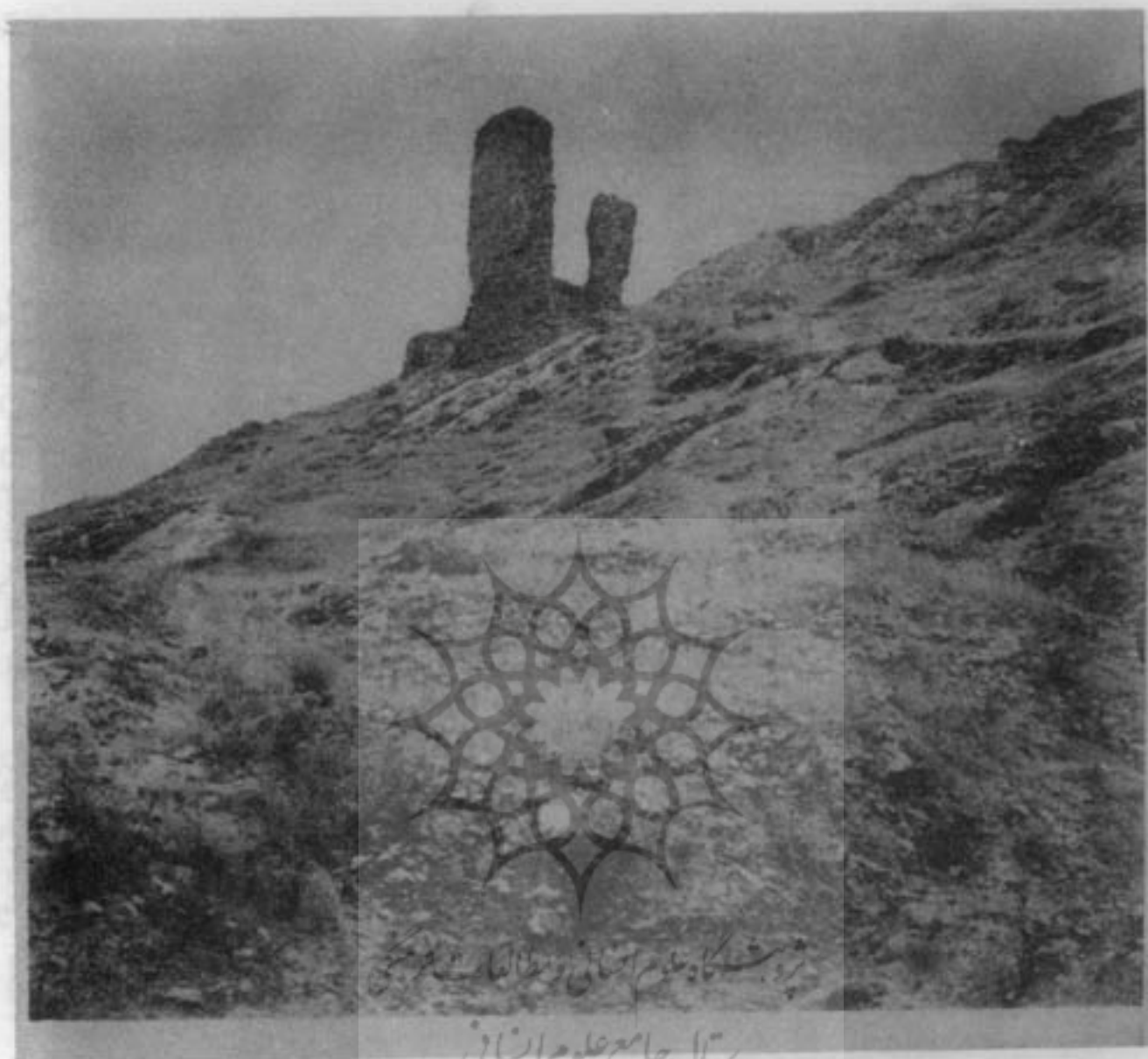
قسمتی از در ورودی جامع خنج از دوره صفوی.



کاروانسرای شاه عباسی بنا رویه.



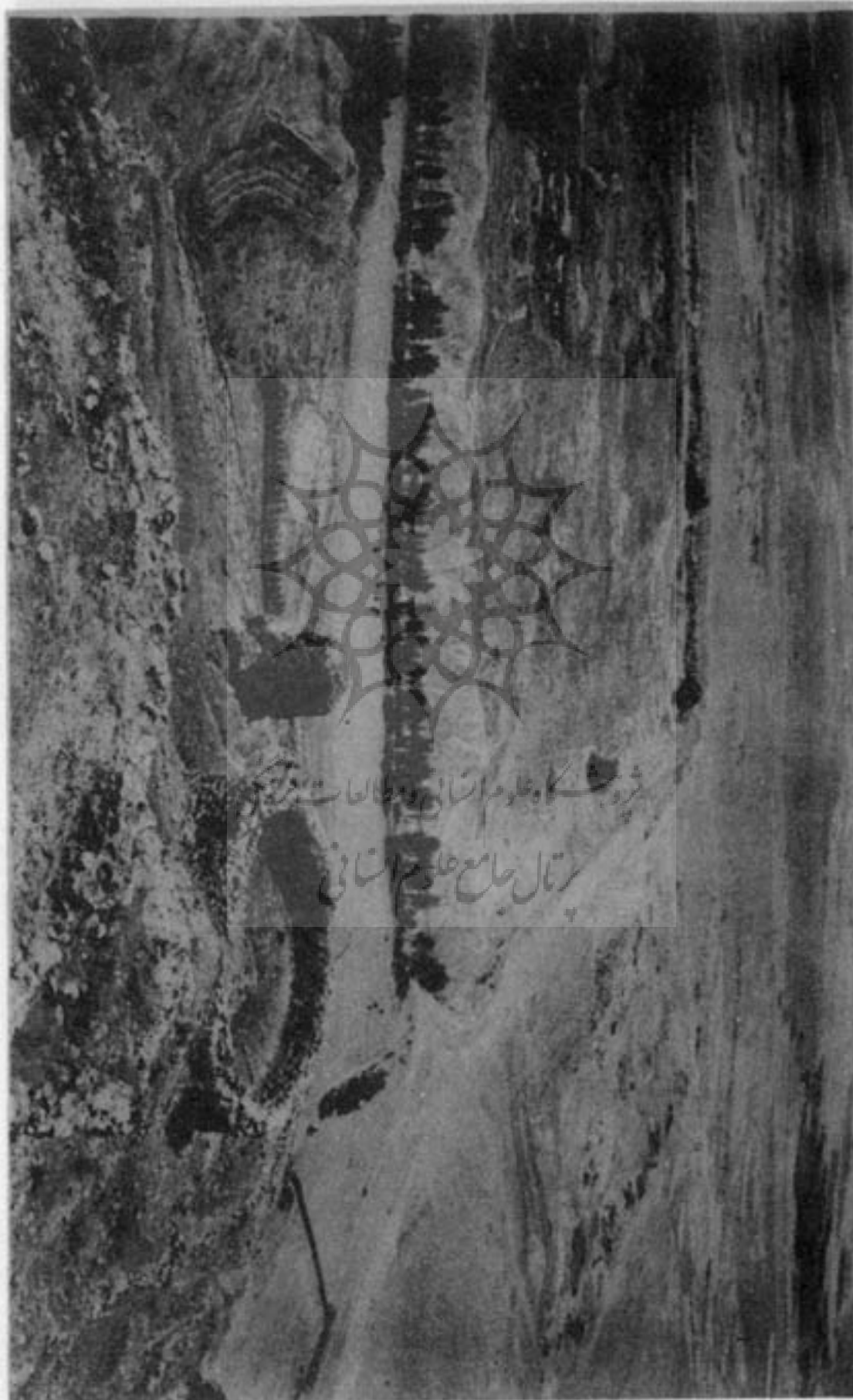
بنارویه با قسمتی از قلعه و تاء سیهات فهرج قدیم که در دامنه کوه دیده می شود . کاروانسرای تازه با آب انبارش در وسط عکس مشخص است . آثار تراس‌های پشت سرهم قلعه ، روی کوه باقی است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

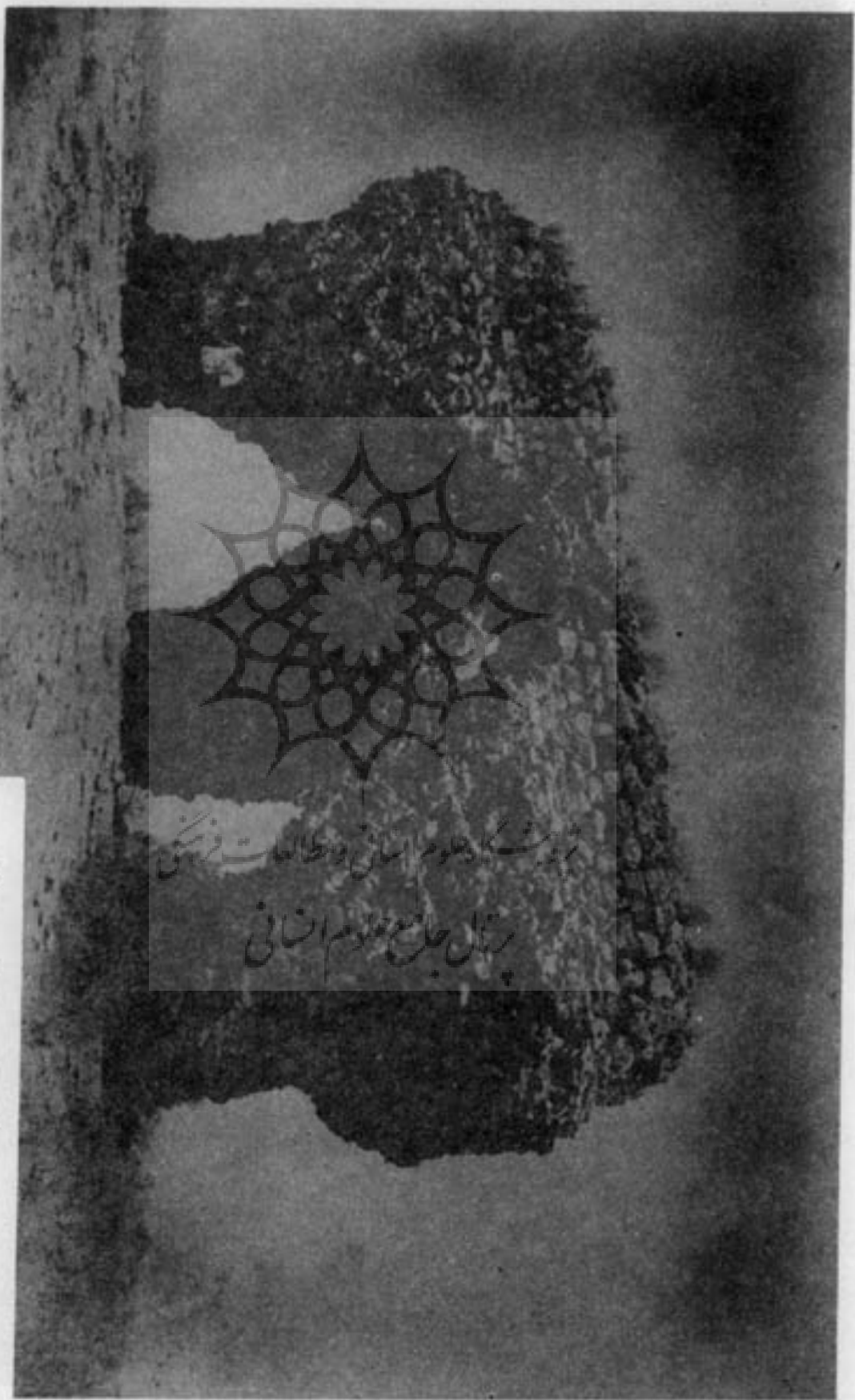
قسمتی از دیواره عظیم کنارچاه شرقی تاسیسات بنارویه
ضخامت این دیواره‌ها دو متر است و از سنگ و ساروج برآمده است.



دومین حوض تا سیمات بناارویه
قسمت اعظم فهرج در عکس دیده می شود.



چاه شرقی، تاسیسات آبیاری سارویه.



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع‌مفاهیم انسانی

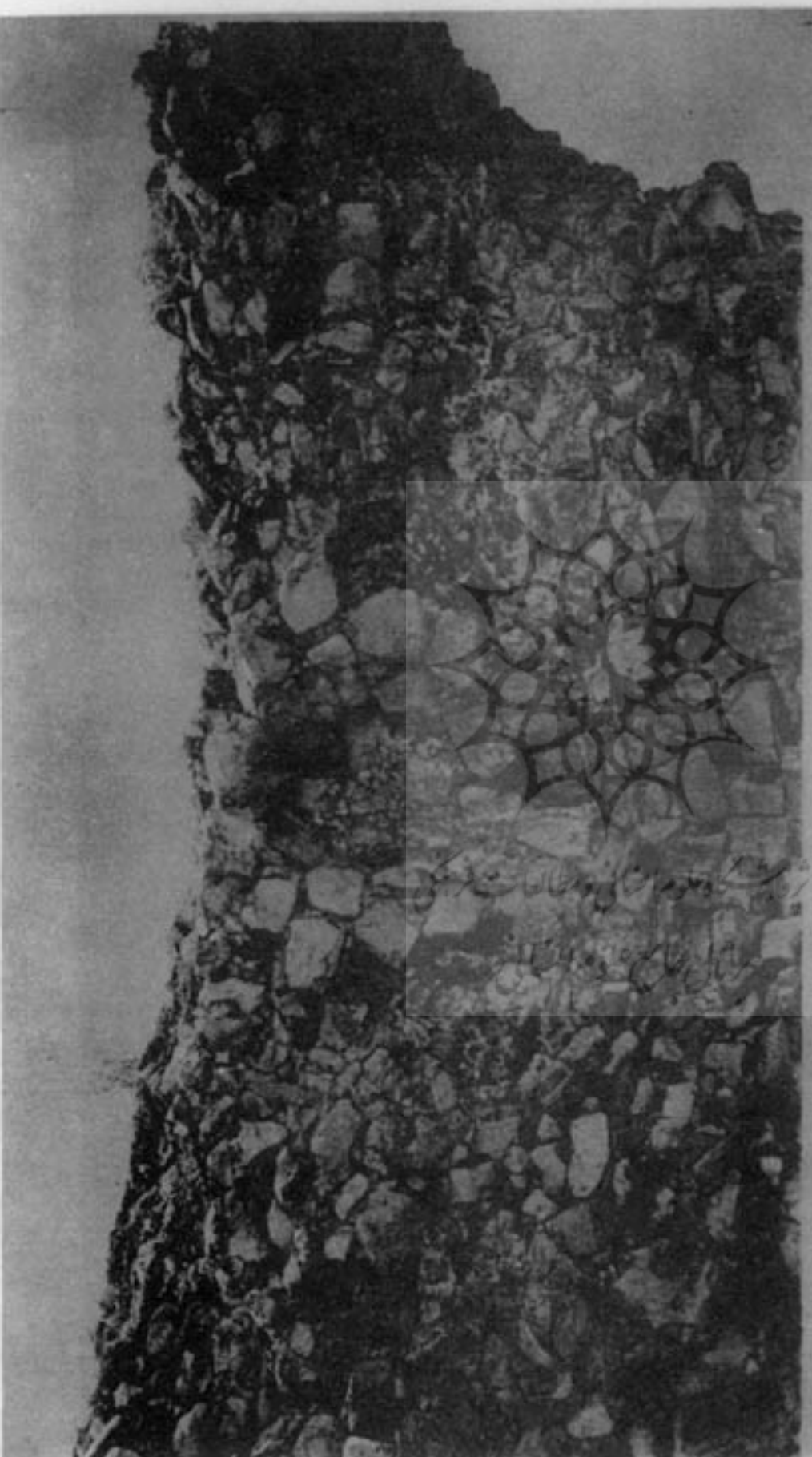
آینه‌کده ساجانی فیض‌نور

بر خلاف اظهار نظر واندنبرگ با به‌های این بنا تا زیر گوشوار خوب حفظ

نشده و فقط آثاری از یک گوشواره بنا قابل تشخیص است. عکسی هم که واندنبرگ

بدست داده است در مقایسه با عکس ما مؤید این مطلب است که وضع بنا در سال

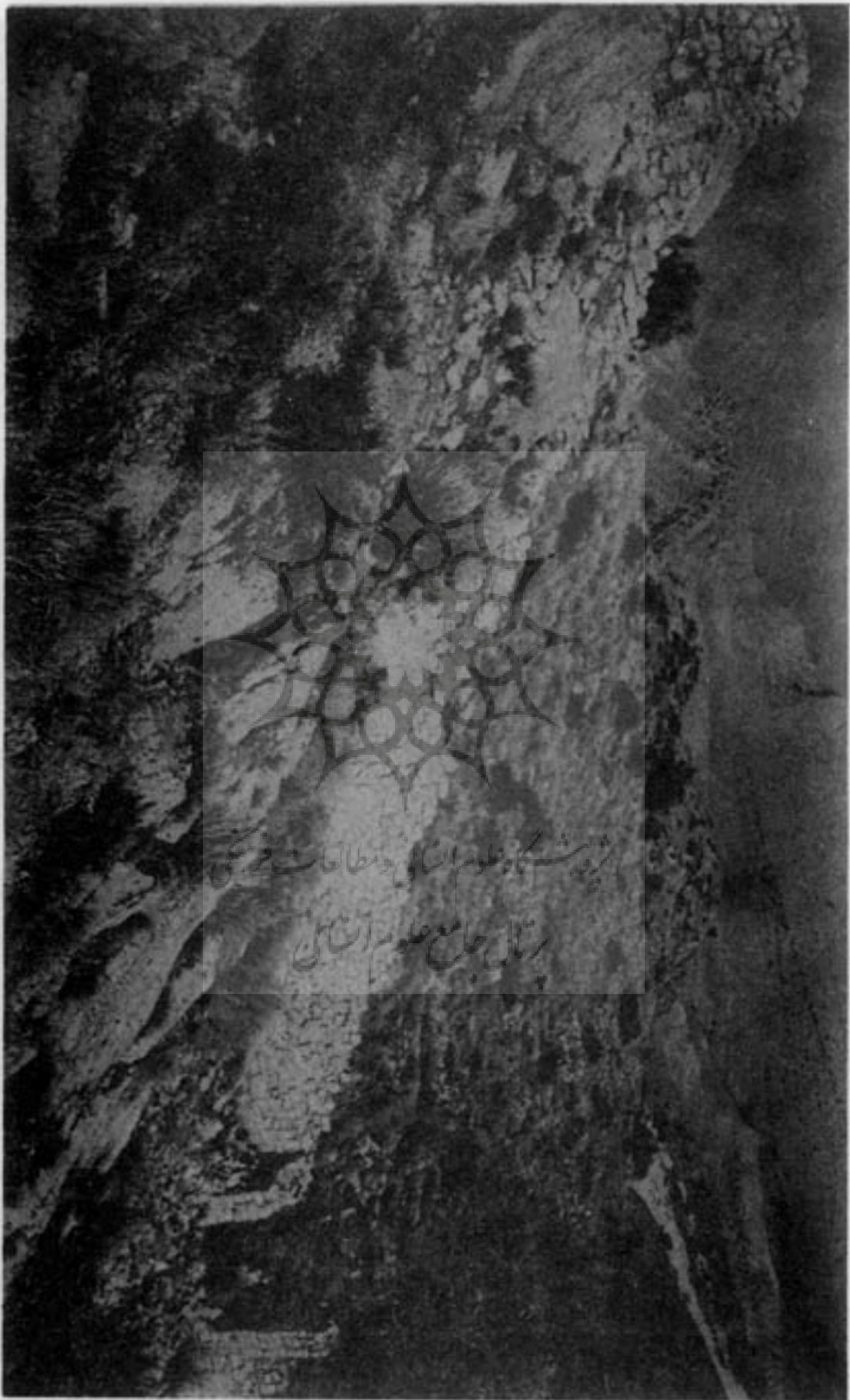
۱۹۵۷ تفاوتی با امروز نداشته است.



گوشواره آتشکده فیثور .
 در این تصویر از گوشواره آتشکده فیثور، که در نزدیکی
 شهر فیثور واقع است، یک نمونه از هنر معماری و
 تزیینات سنگی دیده می‌شود. این تزیینات شامل
 الگوهای هندسی و گره‌های پیچیده است که بر روی
 دیوارهای سنگی حک شده است.

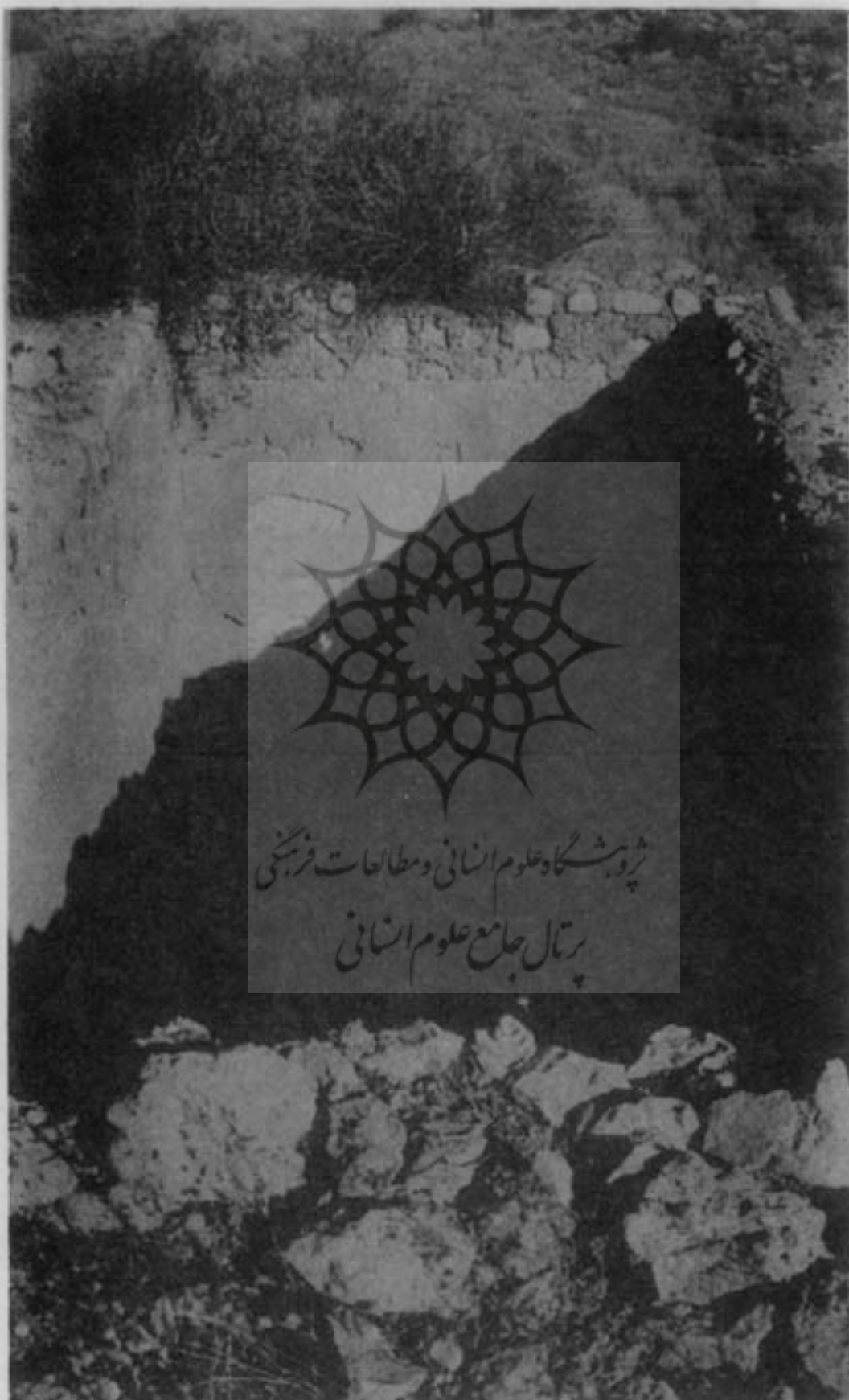
گوشواره آتشکده فیثور .

گوشواره آتشکده فیثور .
 در این تصویر از گوشواره آتشکده فیثور، که در نزدیکی
 شهر فیثور واقع است، یک نمونه از هنر معماری و
 تزیینات سنگی دیده می‌شود. این تزیینات شامل
 الگوهای هندسی و گره‌های پیچیده است که بر روی
 دیوارهای سنگی حک شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

یک قلعه باستانی بسیار بزرگ با تعداد زیادی آب انبار و خمره‌های مدفون در ارتفاعات کاو بست .

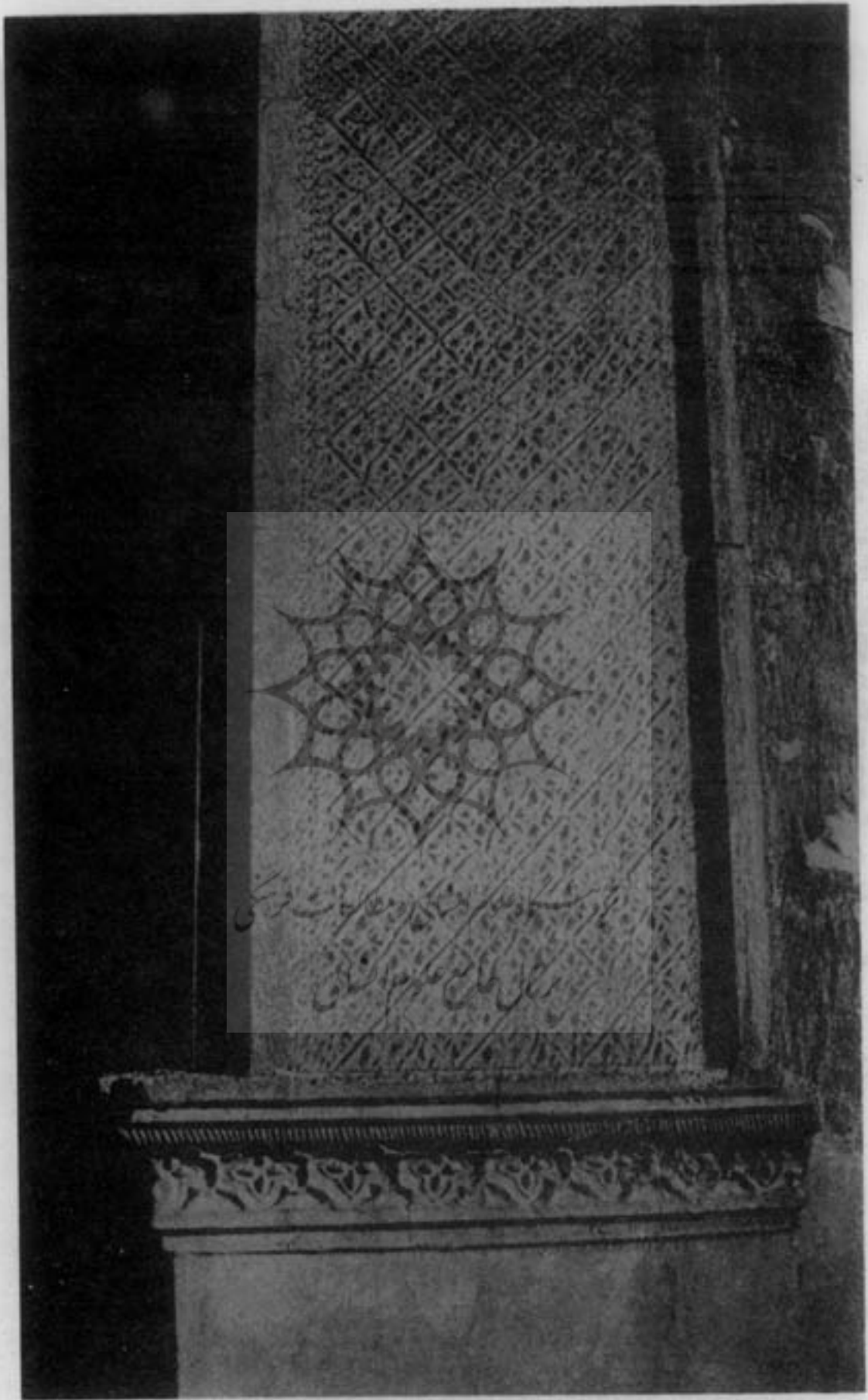


آب انباری در یکی از قلعه‌ها .

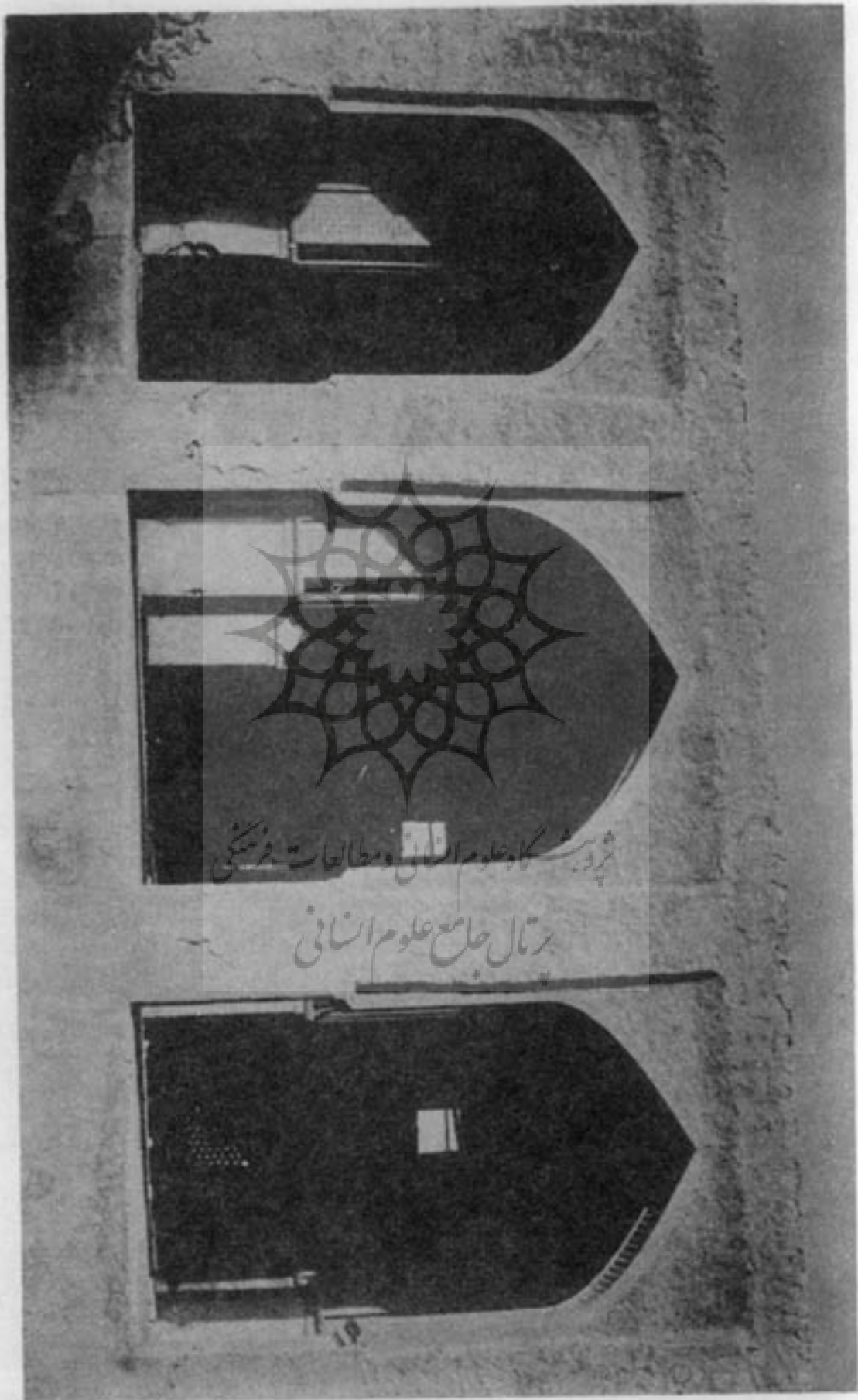


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
راهنمای جامع علوم انسانی

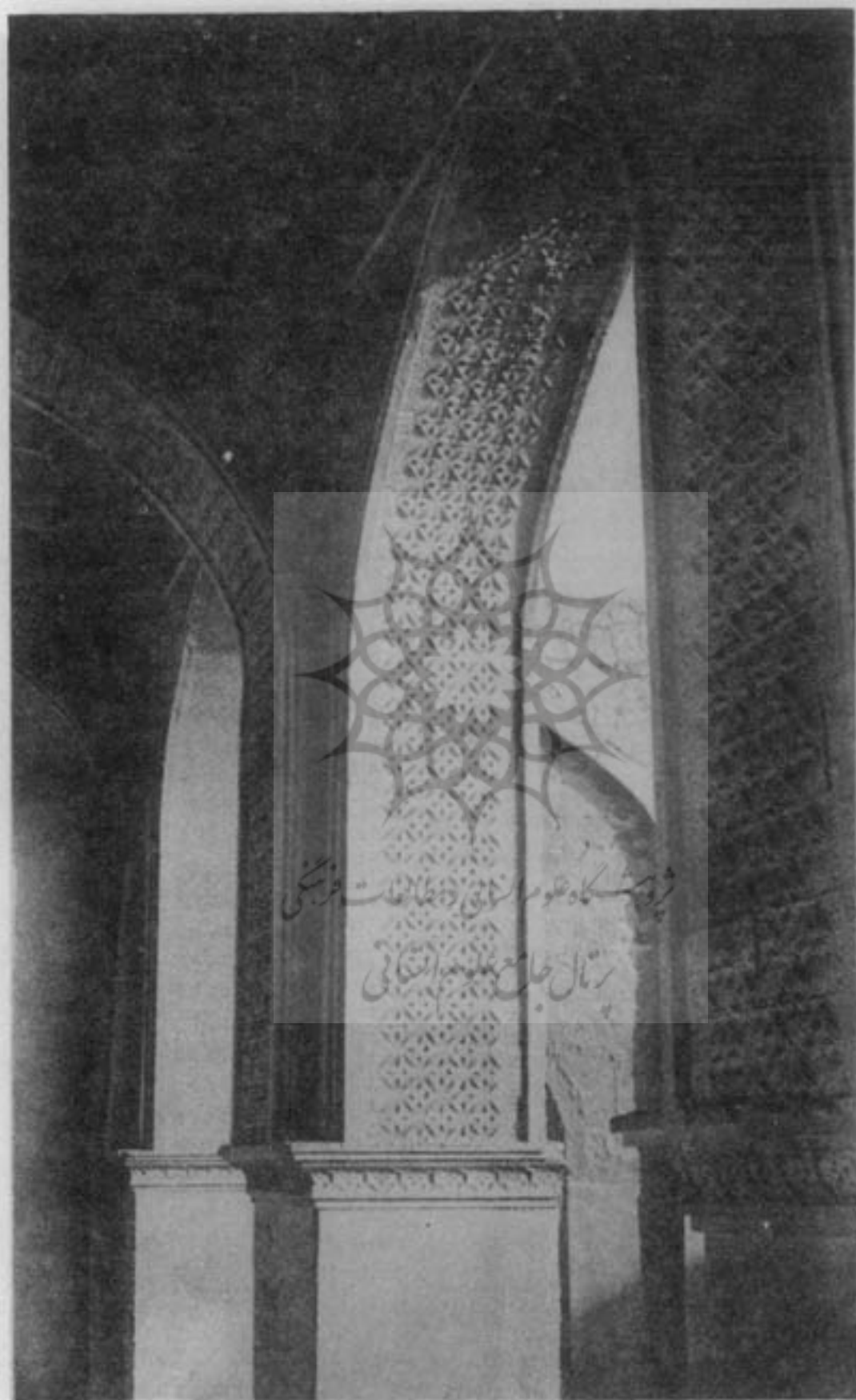
خسره‌هایی که از قلعه‌های باستانی بیرون آمده‌است.



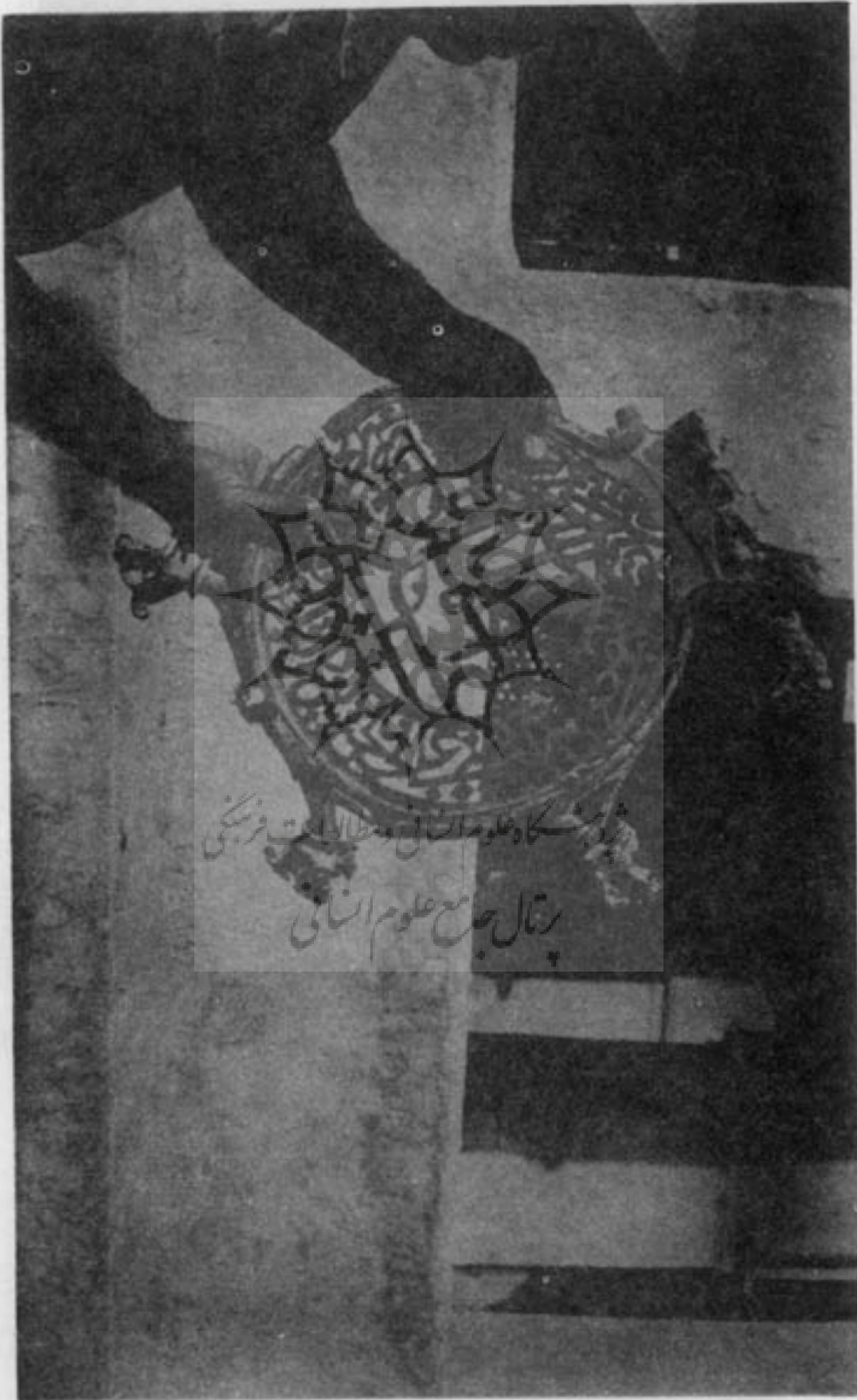
گچ بری های شهبستان قتال.



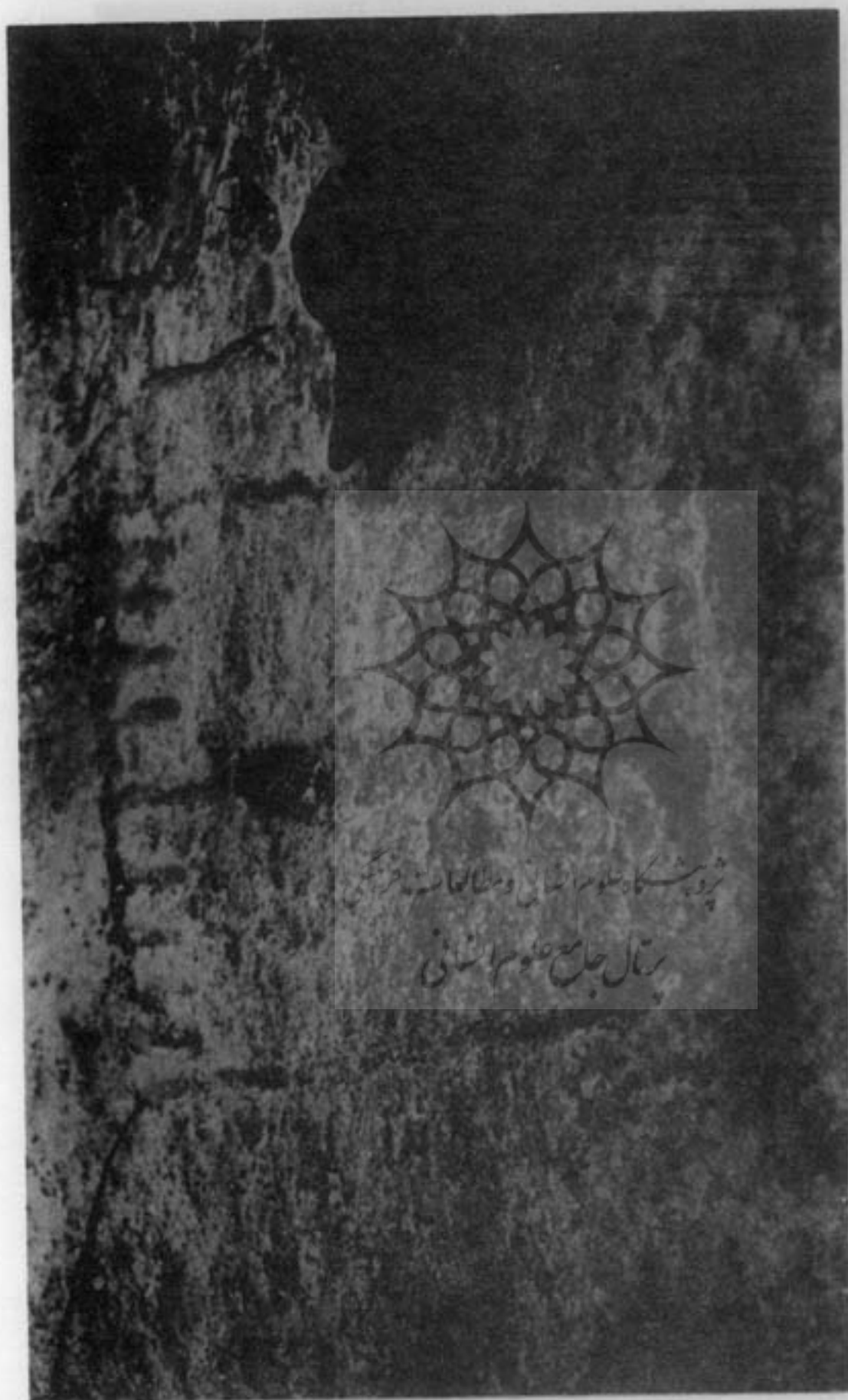
قسمتی از شهبستان قتال.



قسمتی از بنای قتل با گچ بری‌هایی که همه‌ستون‌ها را پوشانده است.

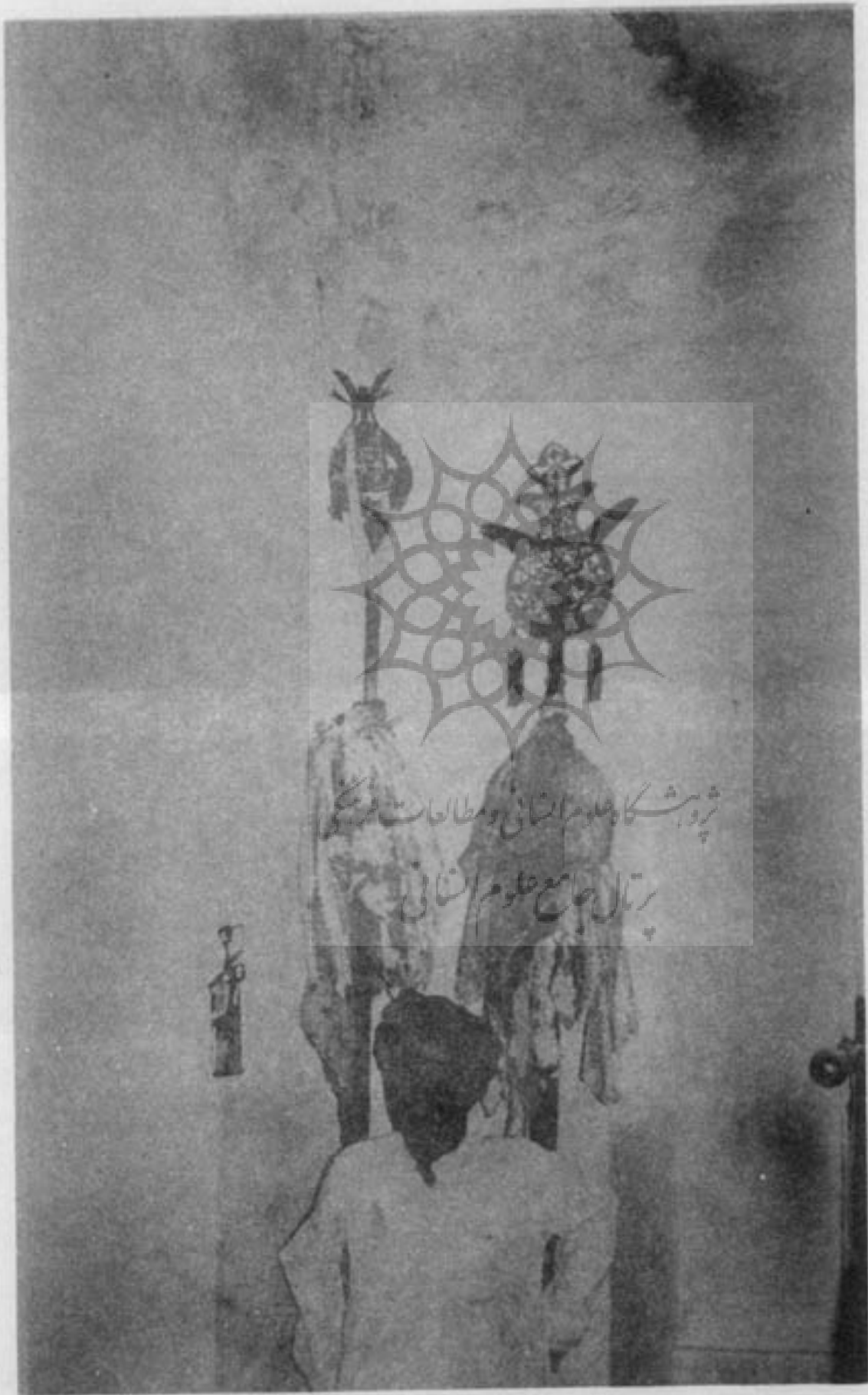


سر علم امامزاده ابراهیم که ساخت دوره صفوی است.

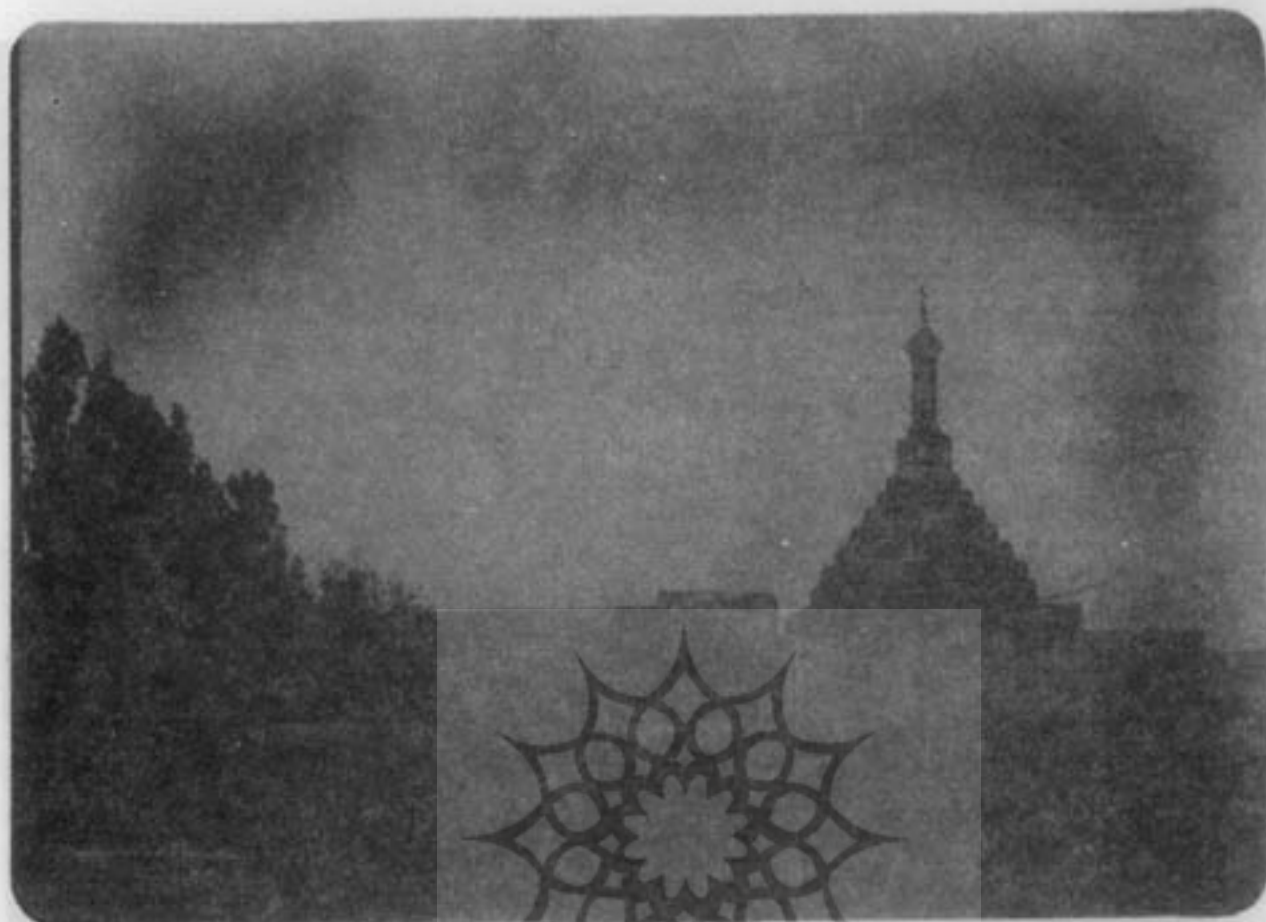


یک قدمگاه.

نقش از پهلوی شمالی یا گوی بر روی خطی که همیشه در این پهلوی آمده است.



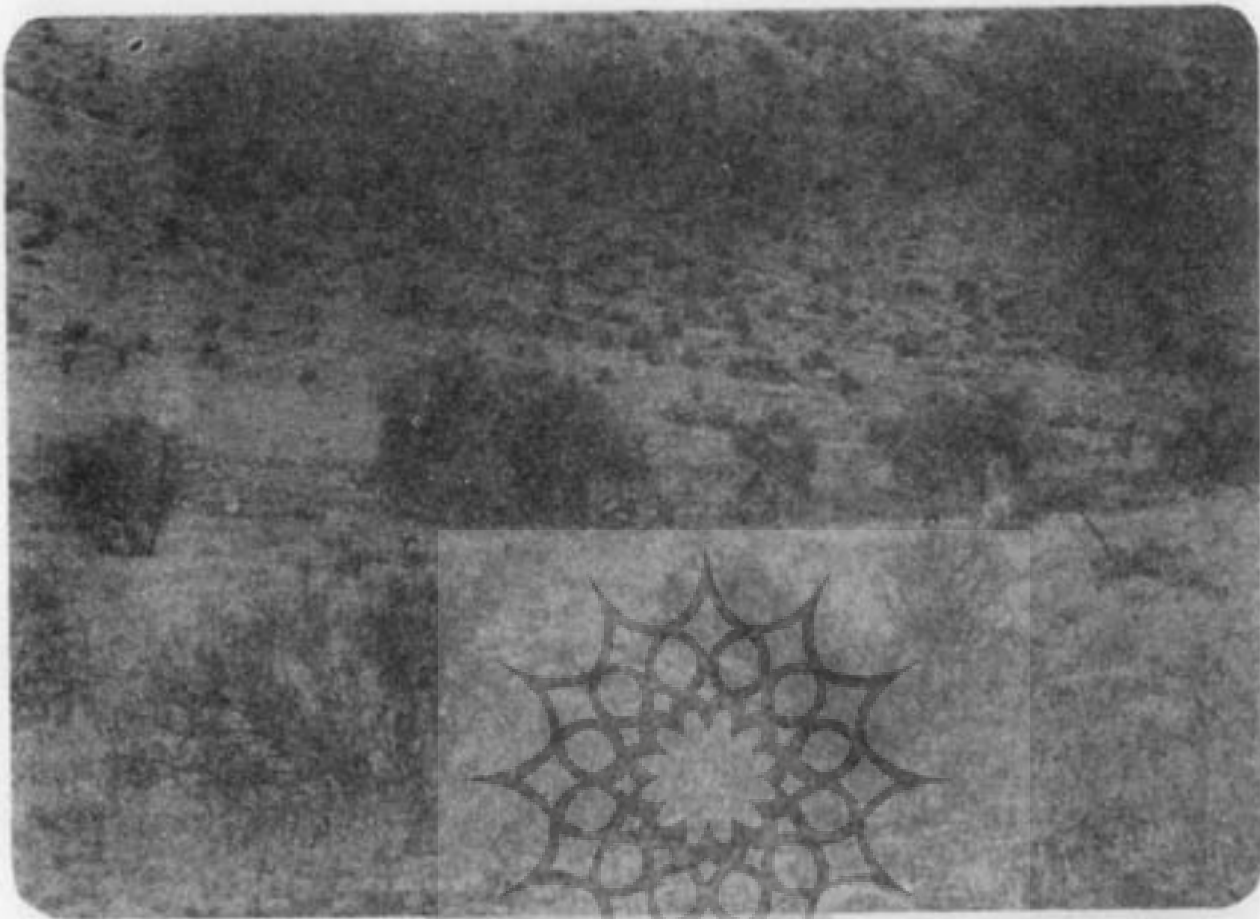
متولی و نگهبان امامزاده با حافظه‌ای فوق‌العاده.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



سردر یک خانه در مینده



سنگان دوه در سباه درختان



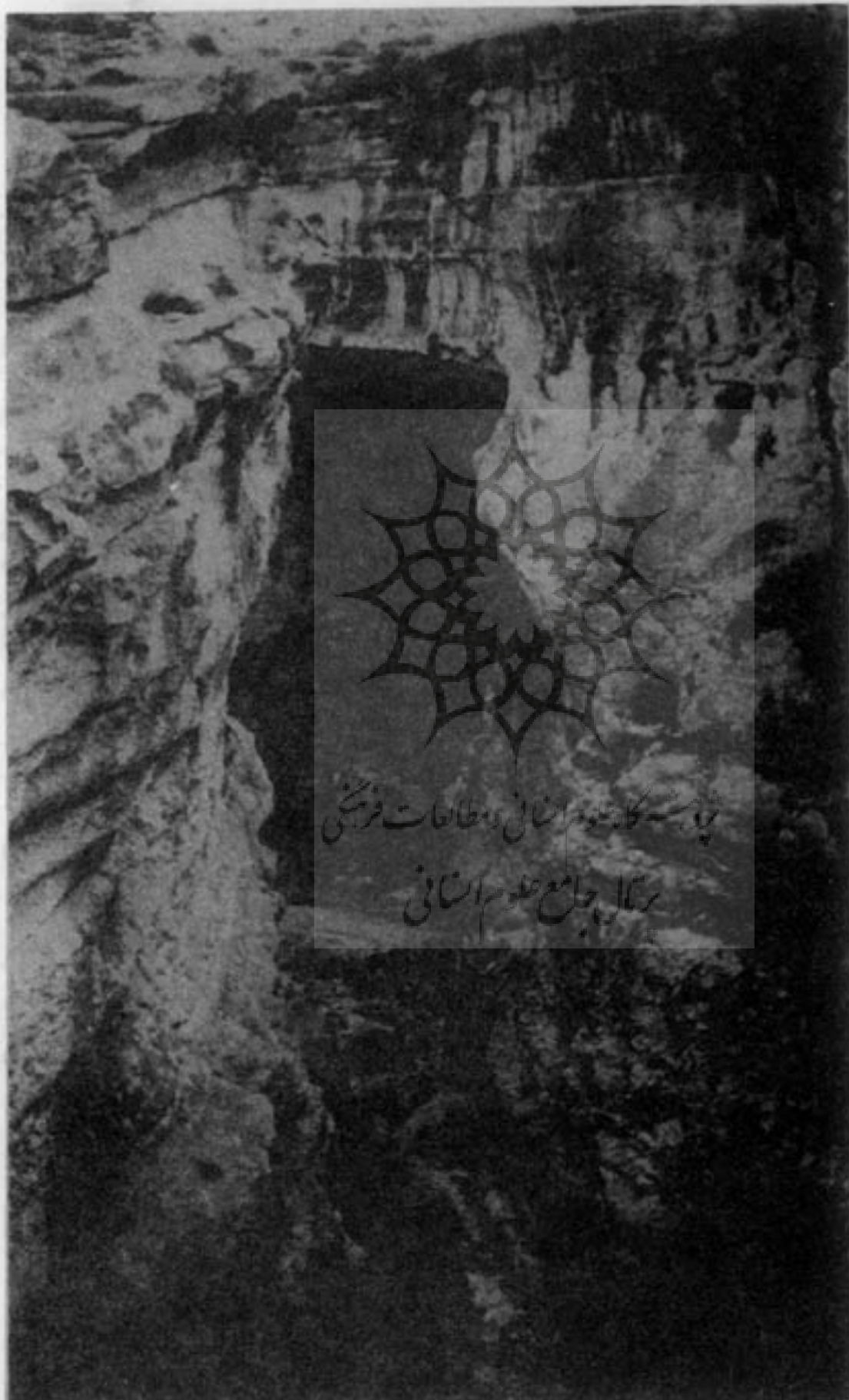
شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تنها آب اسار در دره غارها

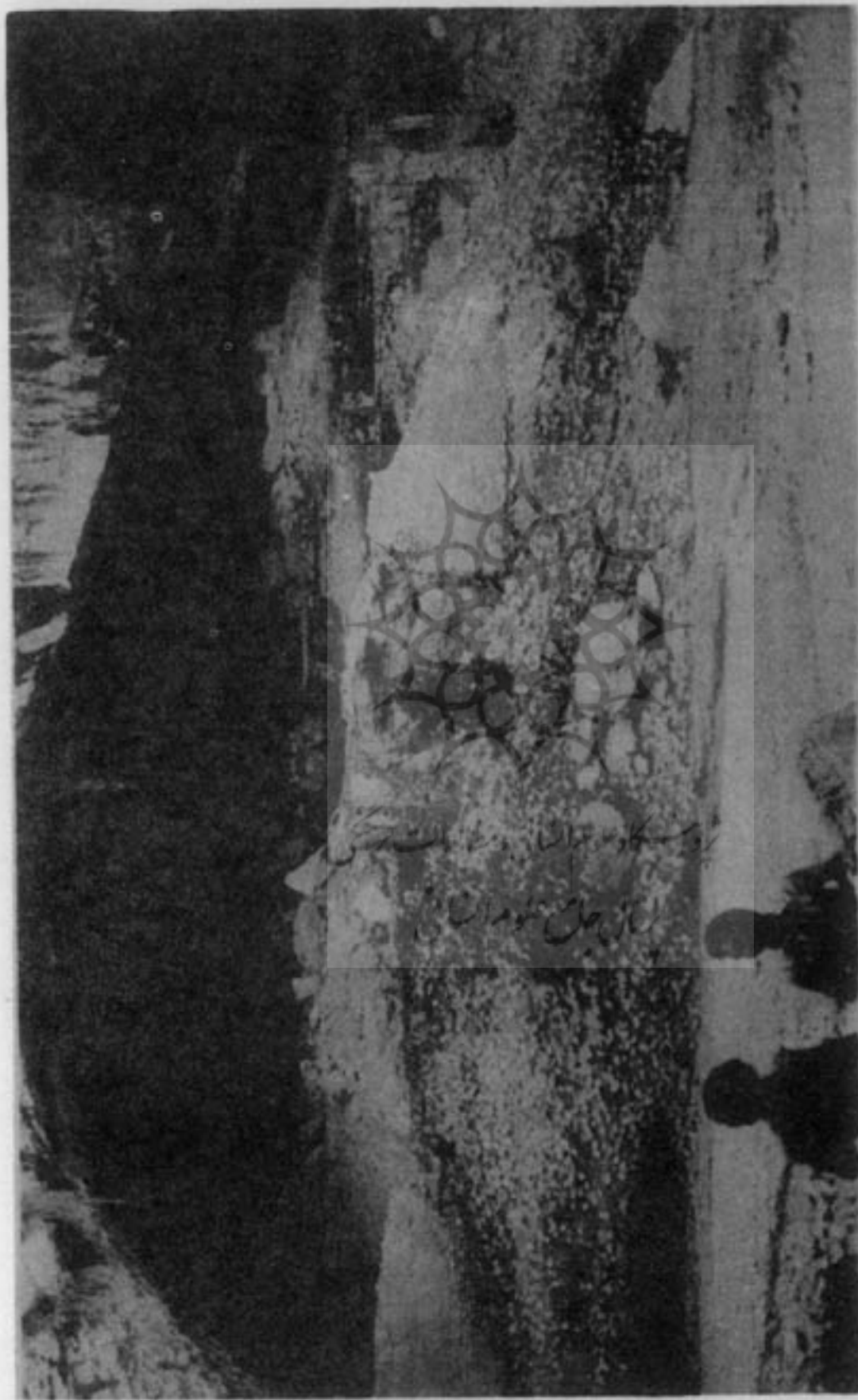


اهالی دره گاوبست .

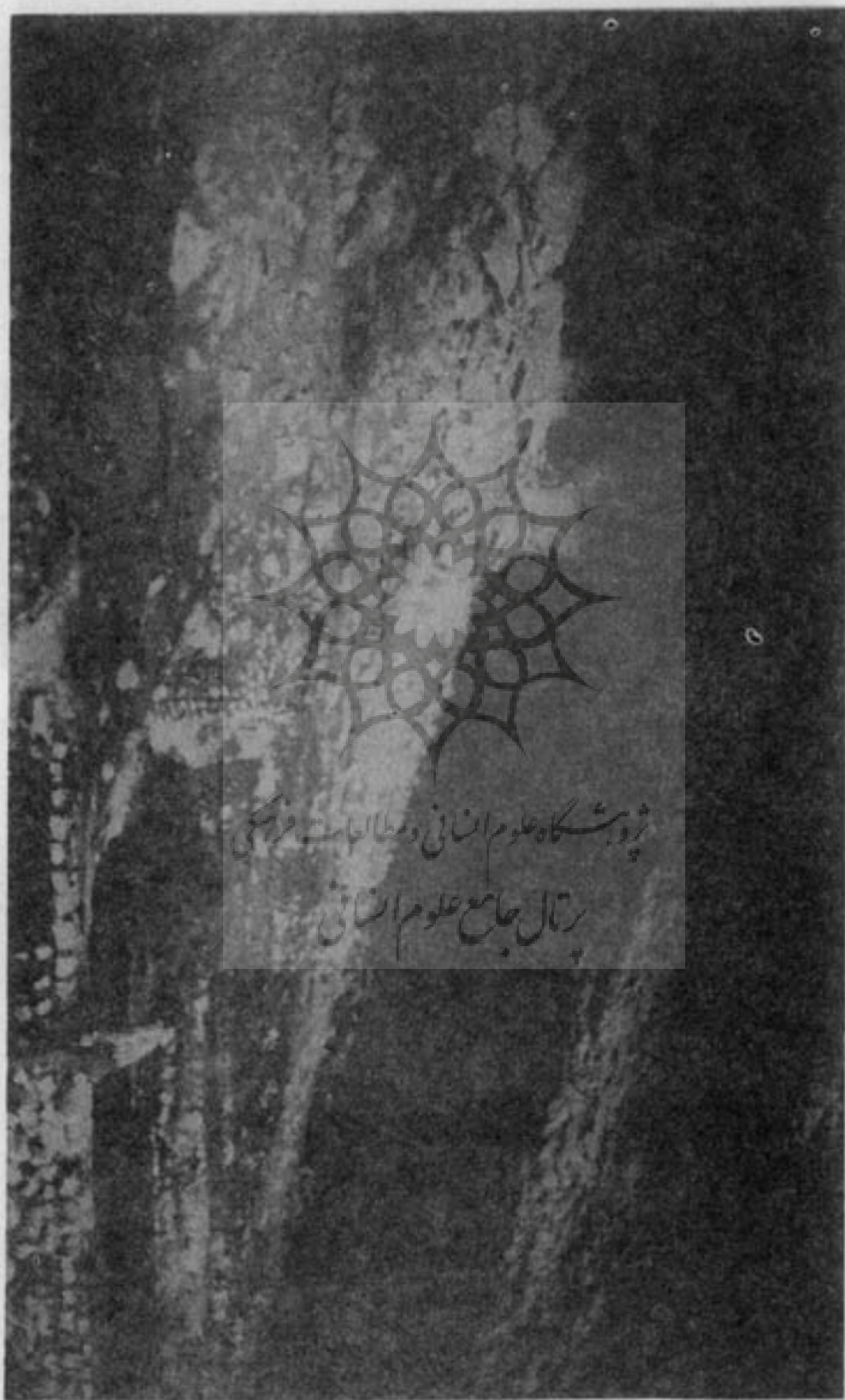
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتابل جامع علوم انسانی



یکی از غارها .

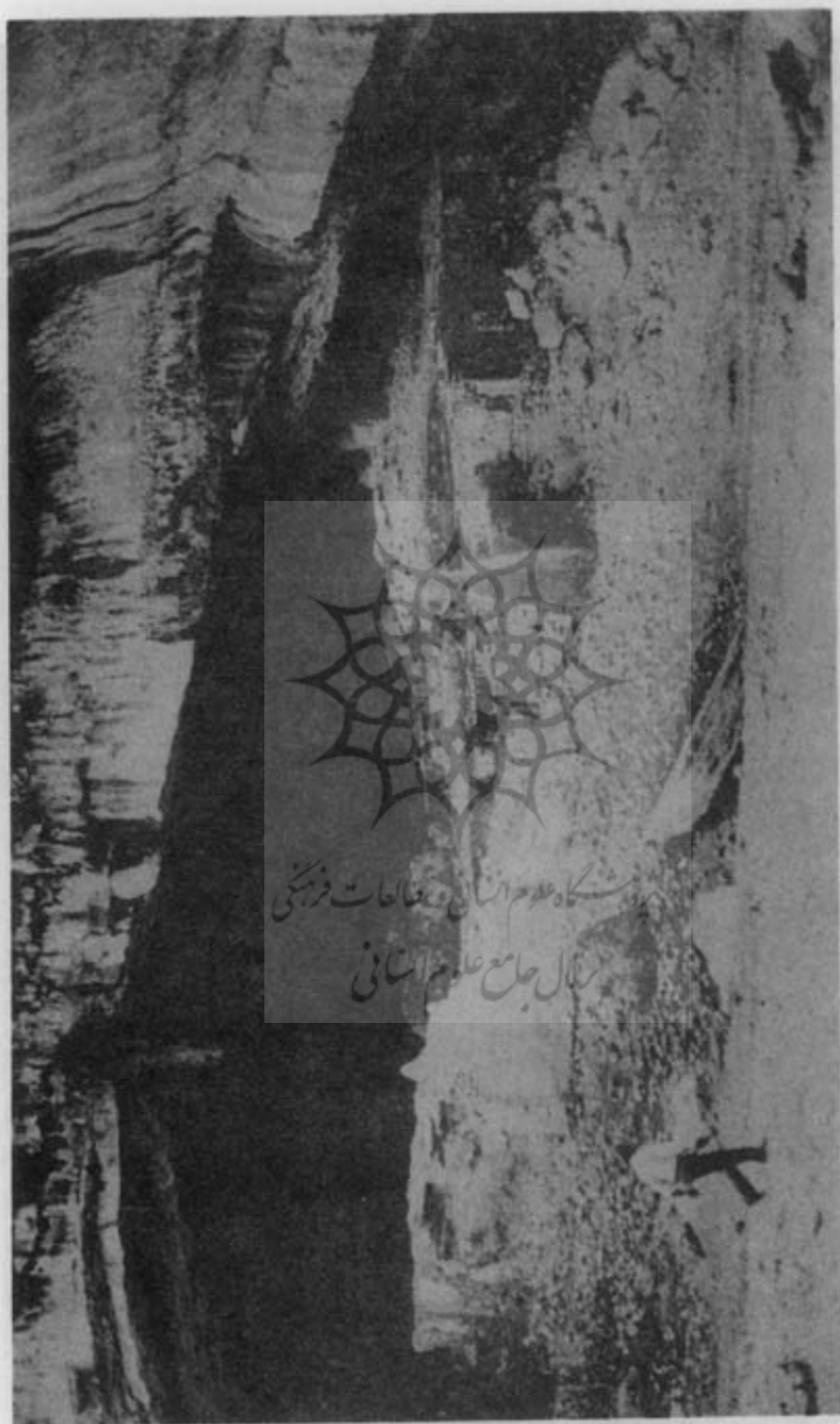


غار اصلی با ساختمان حوض‌ها و یک ساختمان گنبددار با نقش به شکل شیر و چند نقش به شکل گل.

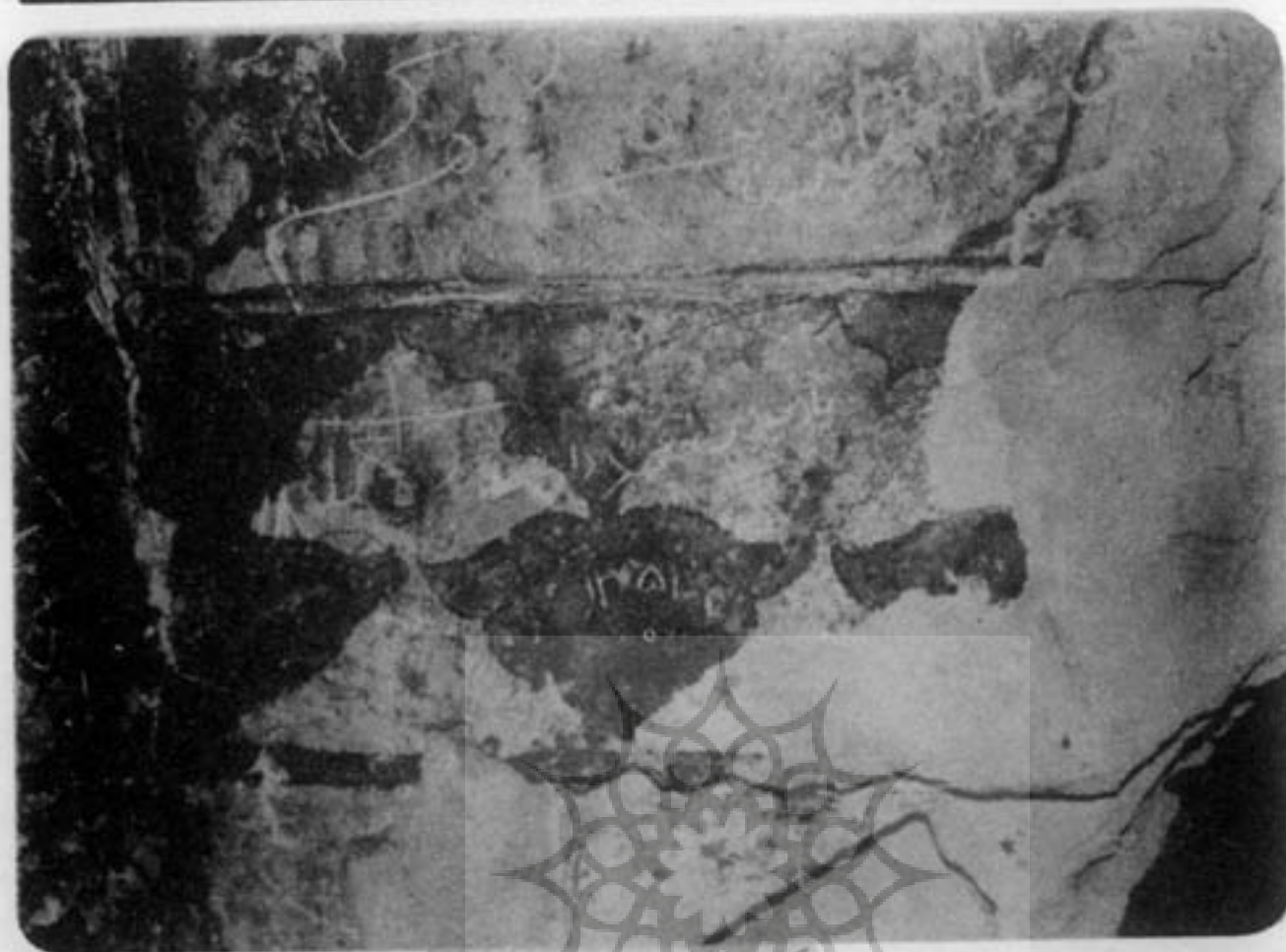


ژوئیه ۱۳۵۷
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

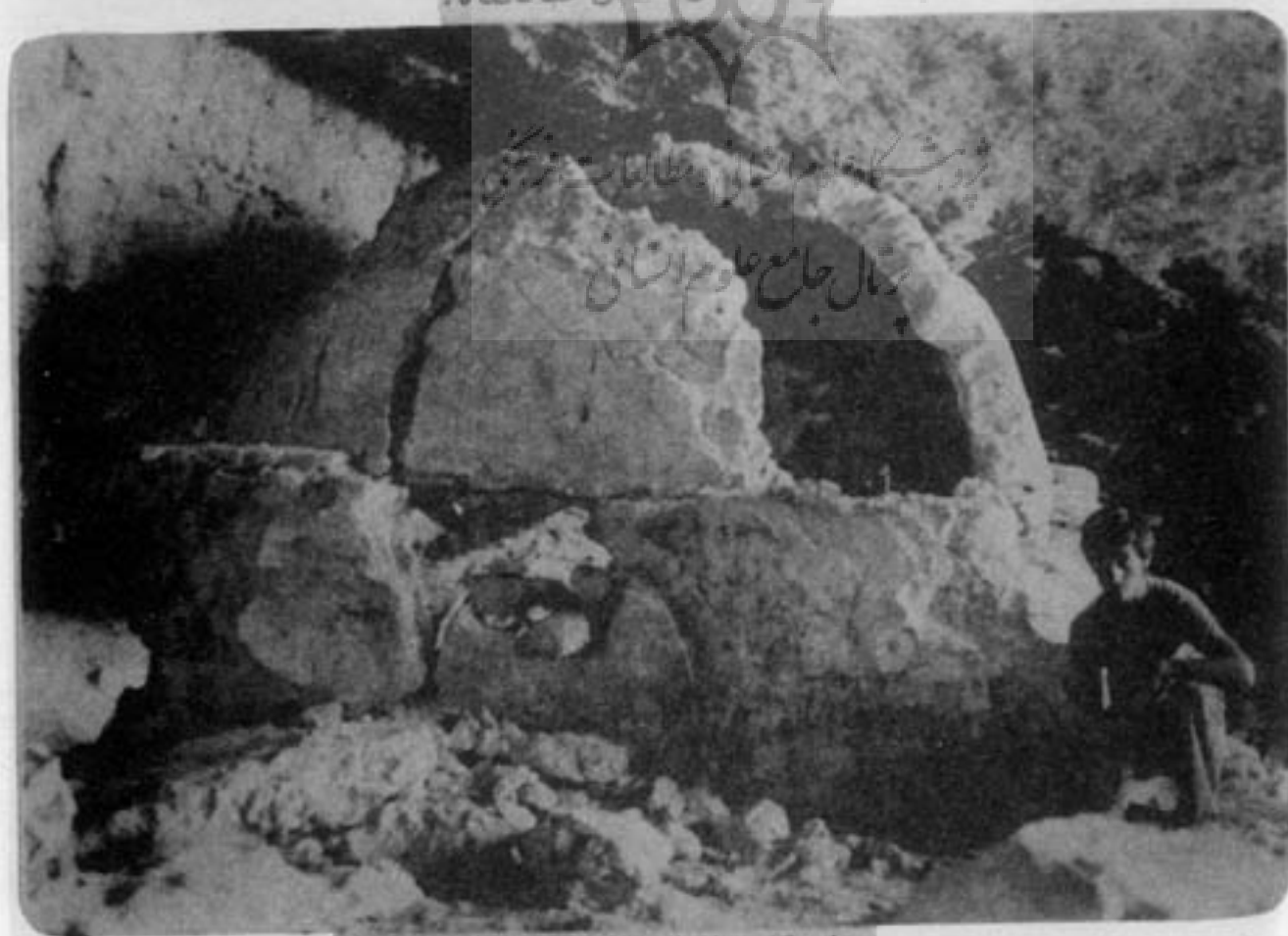
بخش شرقی غار اصلی با بنای گنبد دار و یکی از حوضهای آب.



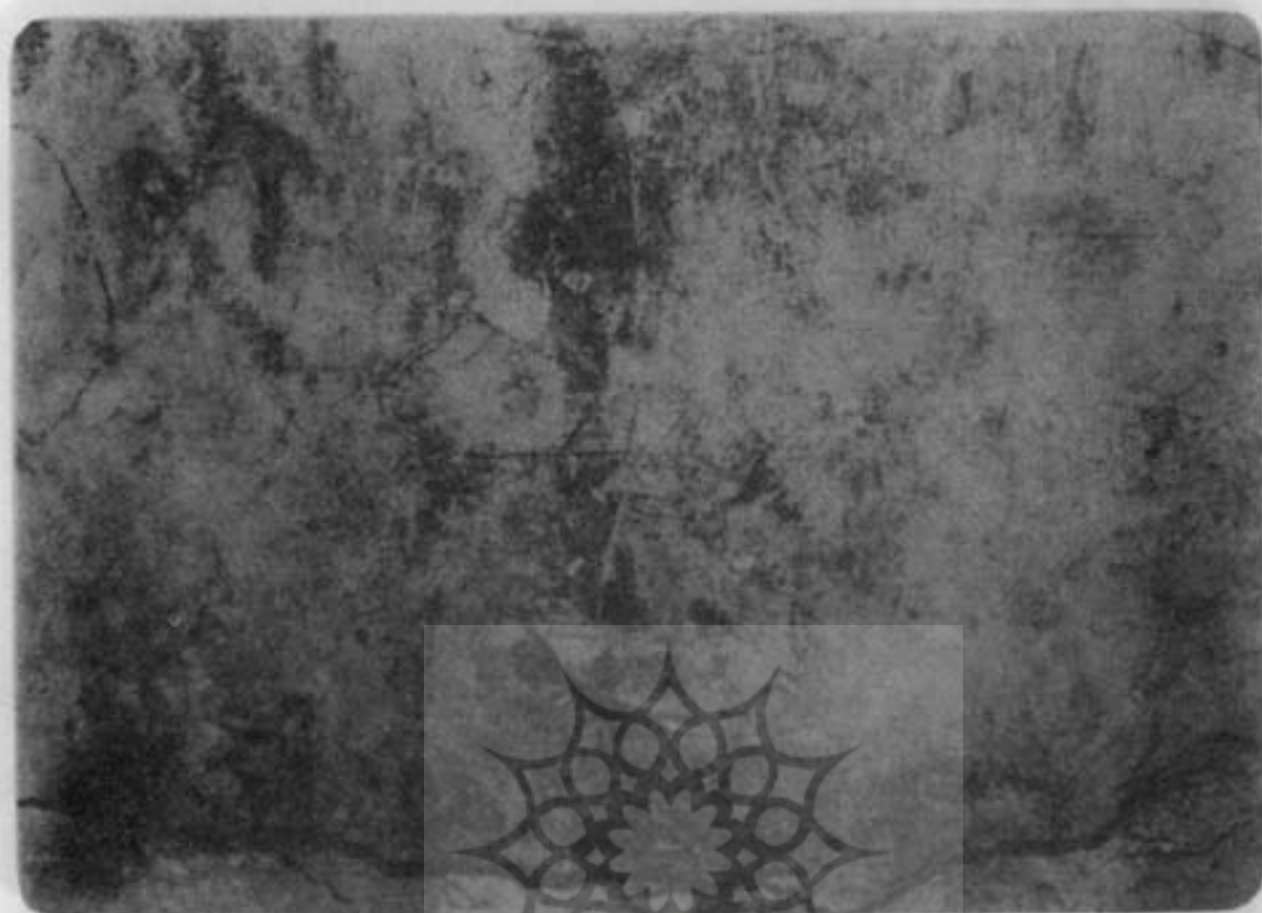
بخش شرقی غار اصلی با بنای گنبددار درون آن.



کتیبه‌های داخل عبادتگاه.



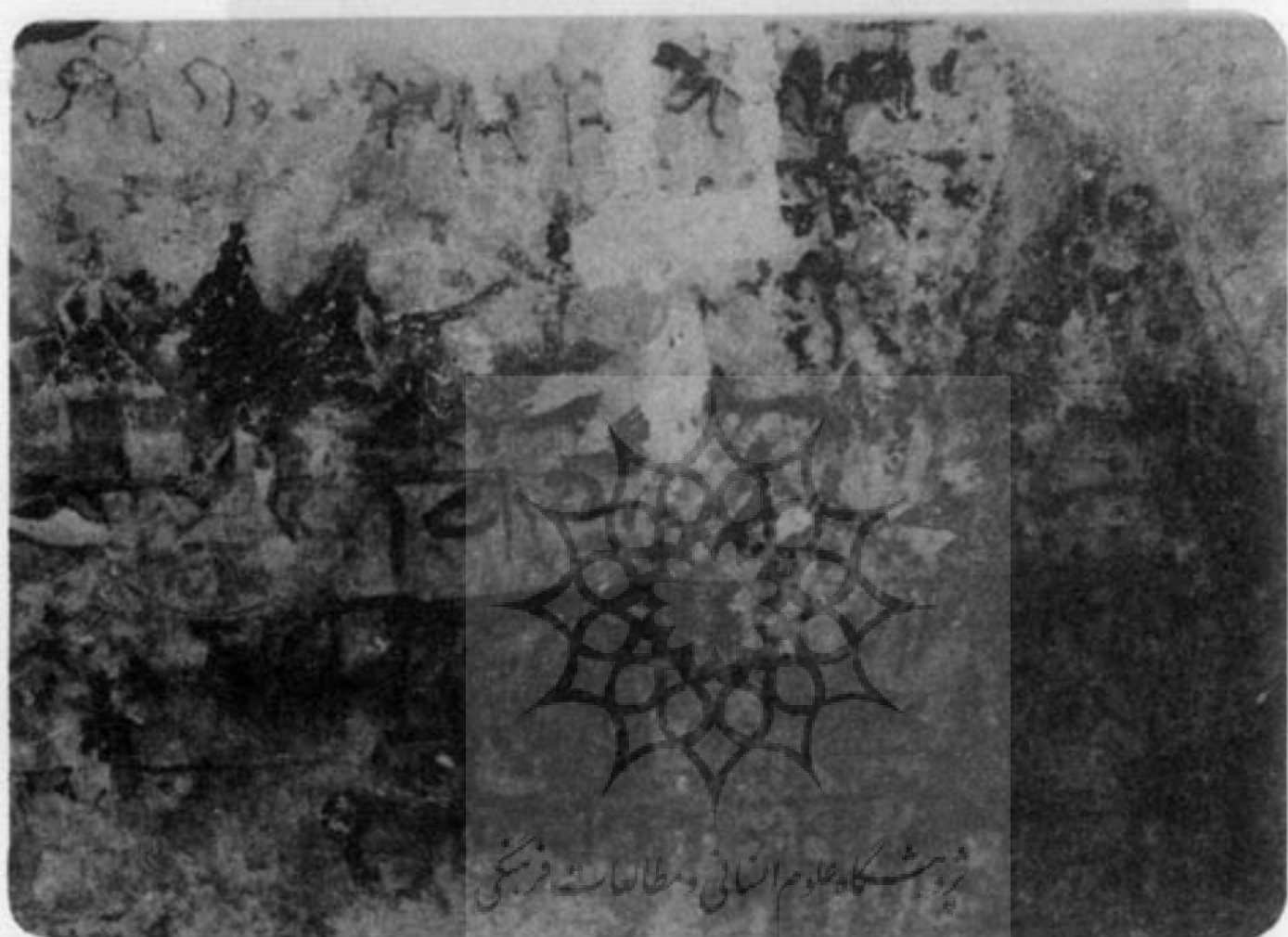
عبادتگاه داخل غار اصلی با کتیبه‌هایی
در بدنه‌اش با مرکب سرخ.



بخش زبان‌شناسی و مطالعات فرهنگی



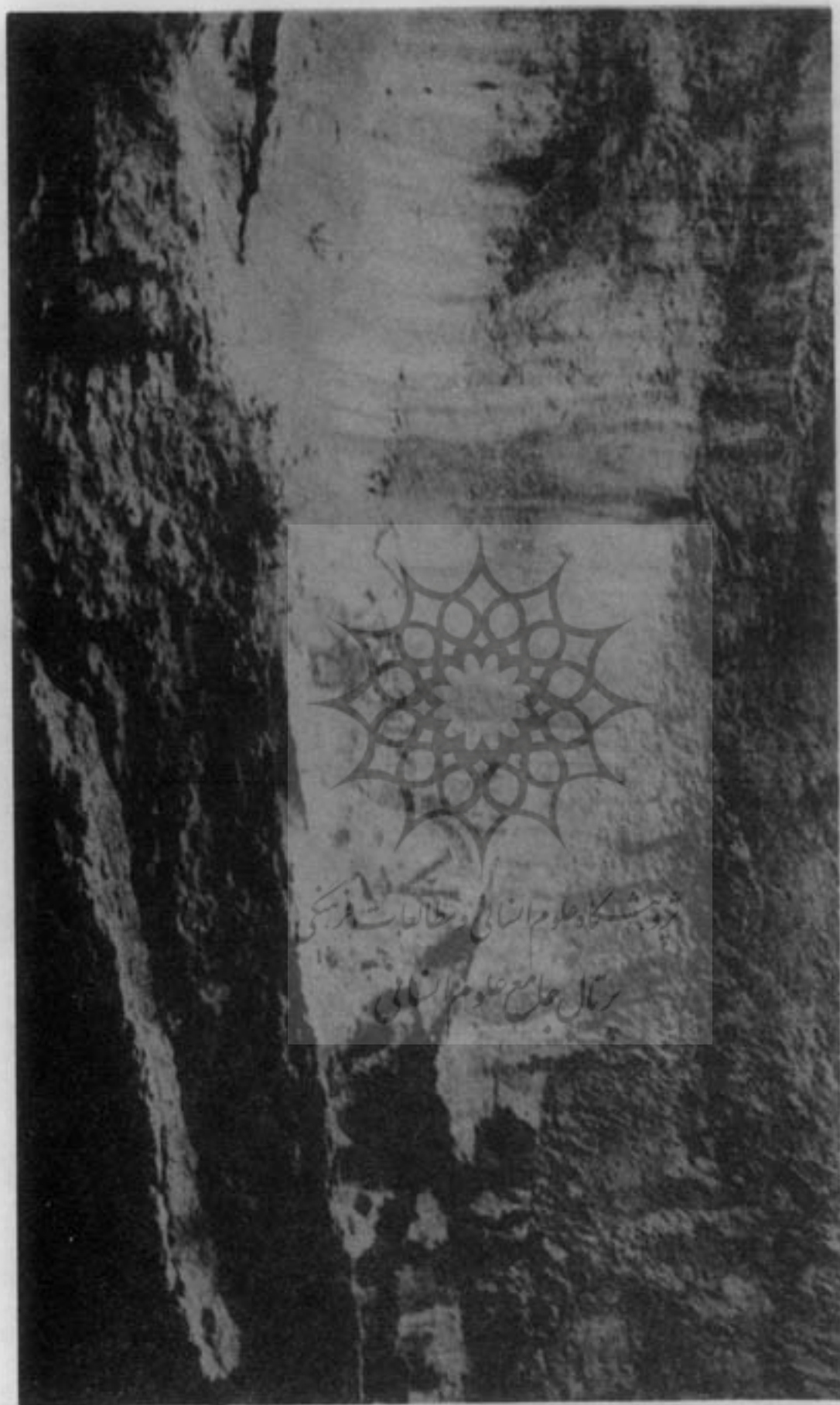
کتابخانه به خط دواناگری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بخشی از کتیبه به خط دواناگری .



ورودی یکی از غارها با چند علامت با مرکب سرخ.



شهرستان گاه علوم اشانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم اشانی

مجسمه بودا از حوالی سبزوار.